

امیرالمؤمنین

تقدیم به اول بانوی مدافع ولایت امیرالمؤمنین علیہ السلام؛ حضرت زهرا علیہا السلام

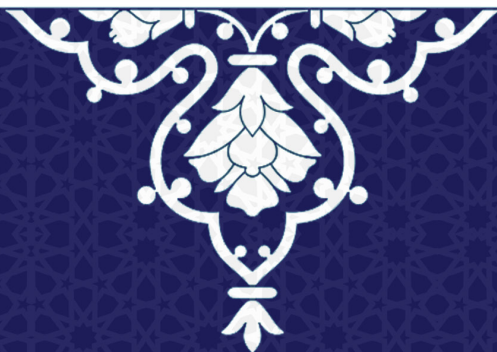


جهاد تبیین در قیام فاطمی

«تحلیل اقدامات تبیینی حضرت زهرا ع»

در دفاع از ولایت امیرالمومنین ع»

حجت الاسلام محمدرضا زارع



سرشناسه : زارع، محمدرضا، ۱۳۷۶ -

عنوان و نام پدیدآور : جهاد تبیین در قیام فاطمی « تحلیل اقدامات تبیینی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در دفاع از ولایت امیرالمومنین علیه‌السلام » / محمدرضا زارع؛ تهیه و نشر معاونت آموزش و پژوهش تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب. / مشخصات نشر : قم: پیروان ولایت ، ۲۰۴۱ / مشخصات ظاهری : ۷۴ ص. / ۹۱×۹۷/۵ م. / شابک : ۷-۵۷-۱۳۵۶-۲۳۶-۸۷۹ / وضعیت فهرست نویسی : فیفا/ یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. / عنوان دیگر : تحلیل اقدامات تبیینی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در دفاع از ولایت امیرالمومنین علیه‌السلام. / موضوع : فاطمه زهرا (س) ، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- دیدگاه درباره امامت / موضوع : eTh ,arhaZ hamitaF -- اثبات خلافت / موضوع : etammi no sweiV -- علی بن ابی طالب (ع) ، امام اول، ۳۲ قبل از هجرت - ۴۰ق -- ادبایات خلافت / موضوع : I mamI ,bilat-iba nbi ilA , ۱۶۶-۰۰۶ -- / موضوع : etahpilac fo foorP* -- فاطمه زهرا (س) ، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. / خطبه فدک / موضوع : eTh ,arhaZ hamitaF : kadaF hebtohK / موضوع : امامت -- احادیث / etamamI / shtidaH -- تبیین -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام / noitanalpxE -- malsI -- stcepsa suoigileR -- / غدیر خم -- احادیث / ridahG -- shtidaH / شناسه افزوده : تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب. معاونت آموزش و پژوهش / رده بندی کنگره : ۲۲/۷۲PB / رده بندی دیویی : ۳۷۹/۷۹۲ / شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۷۳۳۳۹



بافزار

عنوان کتاب: جهاد تبیین در قیام فاطمی

«تحلیل اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از ولایت

امیرالمومنین علیها السلام»

تهیه شده در معاونت آموزش تشکل فراگیر

نویسنده: حجت الاسلام محمدرضا زارع

(گروه تبلیغی شهید دقایقی)

ناشر: انتشارات پیروان ولایت

نوبت و تاریخ چاپ: اول (جمادی الاولی ۱۴۴۴)

طراح چلند: سید امیر حسین حسینی عارف

صفحه آرایی: حسین زارعی زیاری

قم، خیابان جمهوری، میدان سپاه، انتهای

خیابان اخلاقی، ساختمان شهید حقانی،

پلاک ۴۷

۰۲۵۳۲۴۰۰۳۶۰-۲

۰۹۰۲۴۱۰۹۸۰۶

www.bastefarhangi.ir

@bastefarhangi

ISBN : 978-622-6531-75-7



9 786226 531757

فهرست

مقدمه ۹

جلسه اول

جریان حاکم بر مدینه هنگام رحلت پیامبر ﷺ

خطبه ۱۱

ایجاد انگیزه ۱۱

۱- غدیر، واقعه‌ای که فراموش شد ۱۱

جریان حاکم بر مدینه هنگام رحلت پیامبر ﷺ ۱۱

۲- سقیفه، شروع انحراف جامعه اسلامی ۱۴

اقتناع اندیشه ۱۶

۳- صحنه آرایی برای اجماع سازی ۱۶

یک) بیعت اجباری ۱۷

دو) فرستادن مردان مدینه به سمت لشکر اسامه ۱۷

سه) تقسیم اموال بین زنان انصار و مهاجرین ۱۸

چهار) غصب فدک و محروم کردن از دریافت خمس ۱۹

رفتار سازی ۱۹

۴- اقدامات اهل بیت علیهم السلام در برابر جریان سقیفه ۱۹

روژه ۲۱

جلسه دوم

اهداف جهاد فاطمی

خطبه ۲۳

ایجاد انگیزه ۲۳

۱- بیعت گرفتن از اهل بیت ۲۳

اهداف جهاد فاطمی ۲۳

- ۲۶..... اقناع اندیشه
- ۲۶- بانوی مجاهد
- ۲۷- امامت؛ رکن دین
- ۳۰..... رفتارسازی
- ۳۰..... دفاع از ولایت همچنان هزینه دارد
- ۳۱..... روضه.....

جلسه سوم

اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام (بخش اول)

- ۳۵..... خطبه
- ۳۵..... اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام (بخش اول)
- ۳۶..... ایجاد انگیزه
- ۳۶-۱..... خطبه فدکیه.....
- ۳۸..... اقناع اندیشه
- ۴۱-۲..... مراجعت شبانه به خانه‌ی انصار و مهاجرین
- ۴۲-۳..... سلاح اشک
- ۴۶..... رفتارسازی
- ۴۷..... روضه.....

جلسه چهارم

اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام (بخش دوم)

- ۵۱..... خطبه
- ۵۱..... ایجاد انگیزه
- ۵۱..... اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام (بخش دوم)
- ۵۲-۱..... گفتگوهای حضرت زهرا علیها السلام
- ۵۶-۲..... دفاع از جان امام
- ۵۸-۳..... عیادت زنان مدینه از حضرت زهرا.....

رفتارسازی ۶۰

روضه..... ۶۱

جلسه پنجم

جهاد تبیین، جهاد دوران ما

خطبه ۶۵

ایجاد انگیزه..... ۶۵

جهاد تبیین، جهاد دوران ما ۶۵

۱- وصیت به دفن شبانه و مخفیانه..... ۶۷

اقتناع اندیشه..... ۶۷

۳- نکاتی در باب جهاد تبیین..... ۶۹

رفتارسازی ۷۲

۳- جهاد فاطمی ادامه دارد ۷۲

روضه..... ۷۳

یکی از اصلی‌ترین و مهمترین ابزارهای ترویج حقایق و روشنگری اذهان، تبلیغ است. تبلیغ سیره‌ای است که از پیامبران، امامان و بزرگان دین در گذر ایام و کوران حوادث تلخ و شیرین روزگار تا امروز به ما رسیده است. ابزاری که به جهت جایگاه ویژه اش در پیشبرد اهداف عالیه الهی و نشر معارف اسلامی توسط مبلغان دین به کار گرفته شد. اما نقش همین مهم، اگر در تغییر معادلات و برهم زدن نقشه های دشمنان خدا نادیده و یا کم اهمیت گرفته شود، دشمن به اهداف شوم خود امیدوار و مصمم خواهد شد.

حضرت امام خمینی علیه السلام در بیانی که مشهور به منشور روحانیت شد، می‌فرمایند:

اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند ابرقدرتها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند. همچنین رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با روحانیون، یکی از اصلی ترین وظایف شان را تبلیغ دانسته و بارها بر آن تأکید کرده‌اند: «مسأله تبلیغ، یکی از مسائل اساسی در حیات اجتماعی است و مخصوص یک دوره نیست. تبلیغ که از آن در قرآن به «بلاغ»، «بیان»، «تبیین» و از این قبیل تعبیر شده است، یکی از وظایف مقدس، وظیفه انبیا، وظیفه علماء، وظیفه متفکران و دانایان و مصلحان است. تبلیغ، یعنی رساندن. رساندن چه؟ رساندن آن حقایقی به اذهان و دل‌های مخاطبان که بدون آن، دچار خسارت خواهند شد.

این است که ارزش تبلیغ را بالا میبرد. ۱۳۷۷/۰۲/۰۲»

اکنون در این برهه تاریخی که دشمنان، دشمنی خود

۱. صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ی ۲۸۸.

۲. بیانات در دیدار با روحانیون و مبلغین ۲/۲/۱۳۷۷.

را آشکارتر کرده و با همه توان و نیروهای خود به میدان آمده، نباید از منبر و تبلیغ غافل شد و باید در عرصه «تبیین» که به فرموده مقام معظم رهبری، "جهاد" است وارد شد. 'جهادی که بدون تردید، پرچم دار و فرمانده آن بانوی دو عالم فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ است. همان بانویی که در هنگامه‌ای که دشمنان، نقشه‌های شوم در سر داشتند و در خیال خام خود کار را تمام شده می‌دانستند، با تمام وجود پا در میدان روشنگری و جهاد نهاد و ایشان را رسوا ساخت و در راه دفاع از ارزشهای والای الهی و احقاق حق، جان خود را فدا کرد. امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَحْوِيلَهُ در توقیعی به خط مبارک خود بعد از دعا برای دور ماندن شیعیان از ضلالت و فتنه‌ها و درخواست روح یقین و عاقبت به خیری آنها می‌فرماید: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (۱)؛ (فاطمه دختر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای من اسوه و الگویی نیکوست).

امید است در این ایام که منتسب به وجود مقدس حضرت زهرا سلام الله علیهاست، با اسوه قراردادن ایشان، ما نیز به عنوان «سرباز جان فدا» با قدم نهادن در میدان «جهاد تبیین» در بیان حقایق و ترویج معارف ناب اسلامی در این مبارزه سهمی داشته باشیم.

پروردگارا! ما را سربازان جهاد عظیم این روزگار که «جهاد تبیین» است، قرار بده.

هاشمی نسب

۱۴۰۱/۹/۳



۱. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۴۰۰.



جریان حاکم بر مدینه هنگام رحلت پیامبر ﷺ

خطبه

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ،
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا
حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، إِبْرَاهِيمَ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدًا وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ
الظَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ الْمُكْرَمِينَ، سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ،
رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَسِرِّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ
بِهِ عِلْمُكَ. هَدِيه محضر مقدس بانوی دو عالم، سیده نساء
اهل الجنة صلواتی ختم بفرماید.

ایچاه الکبیره

ای قدری، واقتمای که فراموشی شد

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در حجة الوداع، پس از نزول

آیهی «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»^۱، علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان مولا و جانشین پس از خود اعلام نمودند و مردم را به تبعیت از ایشان دعوت کردند و سه روز طول کشید تا همه‌ی مسلمانانی که در غدیر بودند با آن حضرت بیعت کنند. همه از این تصمیم ابراز خوشحالی می‌نمودند و امیرالمومنین را به عنوان بهترین جانشین برای پیامبر صلی الله علیه و آله و رهبری جامعه‌ی اسلامی در آینده می‌دانستند. این مطلب را پیامبر صلی الله علیه و آله صریحاً و عمومی اعلام کردند و مسلمانان هم پس از بازگشت از حج، این واقعه را برای کسانی که حضور نداشتند بازگو کردند.

بحثی که این شب‌ها برای شما آماده کرده ام درباره‌ی جریان‌ی است که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله توانستند با حیل‌های خود، مسیر امامت و رهبری جامعه‌ی اسلامی را تغییر دهند و بزرگترین ضربه‌ها را به دین وارد کنند. می‌خواهیم قیام و انقلابی که حضرت زهرا علیها السلام در برابر این جریان به پا کردند را تحلیل کنیم و متناسب با آن وظیفه‌ی خودمان را بشناسیم.

همه چیز طبق آنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود پیش می‌رفت تا اینکه لحظات تلخ بیماری و رحلت آخرین پیامبر الهی فرا رسید. در آن شرایط عده‌ای که نقاب اسلام را به



صورت زده بودند و خود را دلسوز اسلام معرفی می‌کردند شرایط را مناسب دیدند تا چهره‌ی واقعی خودشان را نشان دهند و اهداف شوم خود را اجرایی کنند. کسانی که به پیامبر گرامی اسلام ﷺ هنگامی که کاغذ خواست تا مطلبی را بنویسد که امت را از گمراهی نجات دهد، تهمت زدند: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ»^۱. این مخالفت علنی و توهین به پیامبری که معصوم است و هیچوقت اشتباه نمی‌گوید، بغضی بود که از ماجرای غدیر بلکه از زمان‌ها قبل در دلشان مانده بود.

این حرف‌های من نیست! خطبه‌ای است که بانوی دو عالم فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در مسجدالنبی خطاب به خلیفه‌ی اول بیان کردند: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ: وقتی خدا، پیغمبر خودش را نزد خودش برگزید و از این دنیا رفت، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ» علامت نفاق در رفتار شما آشکار شد.^۲ چه سندی بالاتر از حرف‌های صدیقه‌ی طاهره عَلَيْهَا السَّلَام؟ خطر این گروه منافق برای اسلام از دشمنان بیشتر بود. زیرا آنها در ظاهر خود را دلسوز مسلمانان معرفی می‌کردند اما به دنبال هدف‌های خودشان بودند و مسلمانان نیز از این جهت که صحابه‌ی نزدیک پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند به آنها اعتماد داشتند و حرف‌شان را می‌پذیرفتند.

۱. منهاج السنة، ج ۶، صفحه‌ی ۱۹

۲. بخش‌هایی از خطبه فدکیه



پس از رحلت نبی گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عده‌ای به تکاپو افتادند جانشینی را برای رهبری مسلمین انتخاب کنند در حالیکه طبق نقل‌های معتبر تاریخی هنوز بدن مطهر آن حضرت به خاک سپرده نشده بود و بنی هاشم مشغول عزاداری و اعمال تدفین بودند. تا آنجا که در نقل‌های تاریخی آمده است حتی بسیاری از مهاجرین و انصار در تدفین و نماز بر پیکر مطهر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شرکت نکردند و مشغول انتخاب خلیفه بودند.^۱ معلوم بود که اینها منتظر این اتفاق بودند و اندوه و غمی از بابت فقدان پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نداشتند.

هیچکس باور نمی‌کرد مدینه‌ای را که پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در طول ده سال رهبری کرد، تنها فقط چند روز پس از رحلت ایشان به چنین اوضاعی دربیاید؛ مهم‌ترین سفارش آن حضرت را از یاد ببرند و با اهل بیت او بدترین رفتارها را داشته باشند.

۲- سقیفه، شروع انحراف جامعه اسلامی

این مطالب را باید در فاطمیه گفت. اصلاً حرکتی که حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام انجام دادند، تبیین این انحراف بزرگ بود. حضرت در خطبه‌ی فدکیه فرمودند که با این کار شما دین



۱. به نقل شیخ مفید و ابن شهر آشوب بسیاری از مهاجرین و انصار در نماز و مراسم تدفین رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضور نداشتند و دلیل آن سرگرمی به انتخاب خلیفه بود (الاختصاص، ج ۱، ص ۱۸۹ / مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۹۷)

پوسیده شد: «سَمَلٌ جِلْبَابُ الدِّينِ» لباس دین پوسیده شد و از بین رفت. سقیفه، شروع انحراف مسیر امامت و رهبری جامعه اسلامی بود که بزرگترین ضربه‌ها را بر دین اسلام وارد نمود. دینی که رکن اصلی و اساسی آن امامت است^۱ و تنها پروردگار عالم است که تعیین کننده‌ی آن می‌باشد. اگر این حرف‌ها را نگوییم و سکوت کنیم و فقط از همسرداری و تربیت فرزند ایشان - که واقعاً الگوی کاملی هستند - صحبت کنیم در حق این بانوی شهیده جفا کرده ایم. بانویی که جان خودش و محسنش را در راه دفاع از ولایت و تبیین باطل بودن جریان سقیفه فدا کرد.

در این حرف‌ها هیچ توهینی نیست.^۲ حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ استدلال محکم و متقن دارند و عصمة الله هستند. نباید به بهانه‌ی حفظ وحدت، مجاهدت‌های بانوی دو عالم را در برابر این جریان باطل روایت نکنیم. در جلسات بعد به حرکت‌های تبیینی و روشن کننده‌ی خانوم فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ اشاره خواهیم کرد و هرکدام را تحلیل می‌کنیم اما اینکه بگوییم این حرفها ضد وحدت است، اشتباه بزرگی است. مهم‌ترین انقلابی که پس از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صورت گرفته، انقلاب حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ برای احیای ولایت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ - الکافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۳۱۰

۲ - رهبرمعظم انقلاب: «از آن مفاهیم مهم که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها احساس خطر کردند که سرنوشت امت اسلام در حال به خطر افتادن است، یک کلمه‌ی هتک و زشت و توهین‌آمیز نفرمودند، بیانات محکم و مستحکم و متین و متقن بود، باید اینطور عمل کنید.» (۱۵ بهمن ۱۳۹۹)



بوده است. حفظ وحدت نباید موجب غالب شدن روایت باطل شود به طوریکه دیگر از حق هیچ نشانی نباشد. اما برگردیم به ادامه‌ی بحث خودمان: همه‌ی مسلمین از واقعه‌ی غدیر و تعیین رهبر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داشتند و این مهم‌ترین مانع بر سر راه جریان سقیفه بود. حال باید دید چگونه این جریان توانست ورق را به سود خود برگرداند و در این جنگ روایت‌ها پیروز شود.



۳- صحنه‌آزایی برای اجتماع سازی

همانطور که عرض کردم، اینها برای بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله برنامه داشتند و می‌خواستند به هر نحوی که شده مسیر امامت را تغییر دهند. هنگامیکه انصار و مهاجرین در سقیفه جمع شدند و دعوا بر سر خلافت بالا گرفت و نهایتاً خلیفه‌ی اول، خلافت را به کمک خلیفه‌ی دوم عهده دار شد، دلیلی از قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله بر این امر وجود نداشت. تنها راه این بود که بگویند انتخاب رهبر باید با اجماع مسلمین باشد. اما به جز عده‌ای از انصار و مهاجرین که حضور داشتند می‌بایست مابقی اهل مدینه و مسلمانان نیز با خلیفه بیعت می‌کردند تا این یک صدایی و اجماع حاصل شود. اگر اجماع شکل می‌گرفت و همه‌ی مسلمین بیعت می‌کردند دیگر



واقعه‌ی غدیر فراموش می‌شد و آنها می‌توانستند به راحتی امیرالمومنین (ع) را خانه نشین کنند. این اجماع سازی آسان نبود فلذا آنها به هر طریقی که می‌شد باید از افراد بیعت می‌گرفتند. اگر بخواهم به چند مورد از مهم ترین حرکت های جریان سقیفه برای اجماع سازی اشاره کنم عبارتند از:

یکم بیعت اچاری

افرادی که در صحرای اطراف مدینه زندگی می‌کردند برای تهیه‌ی آذوقه سالیانه‌ی خود به صورت جمعی به شهر می‌آمدند زیرا خطر راهزنان وجود داشت و در آن زمان هم قبیله‌ی بنی اسلم به جهت این امر به مدینه آمده بودند. آنها تا از جریان خبردار شدند با توجه به کینه‌ای که از انصار داشتند به سمت خلیفه‌ی اول آمدند و با او بیعت کردند. سپس به پیشنهاد خلیفه‌ی دوم مبنی بر آذوقه‌ی رایگان در مقابل بیعت گرفتن، هرکه را در شهر بود به نزد خلیفه‌ی اول آورده تا بیعت کند.^۱ این گروه نقش بسیار مهمی را در مسیر اجماع سازی ایفا کردند.

دوم فرستادن مردان مدینه به سمت لشکر اسامه

به دستور پیامبر ﷺ عده‌ی بسیاری از صحابه در سپاهی



۱. الجمل شیخ مفید، ص ۴۳ / تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۵۸.

با رهبری اسامه به سمت شام از مدینه خارج شدند.^۱ با رسیدن خبر شدت یافتن مریضی پیامبر ﷺ، جریان نفاق خود را سریعاً به مدینه رساندند تا نقشه‌ی خودشان را عملی کنند. سپس با قدرت گرفتن خلیفه‌ی اول، مردانی را که در مدینه بودند را به سمت لشکر اسامه فرستادند و رهبری سپاه را نیز از او گرفتند. با خالی شدن مدینه از مخالفین، آنها می‌توانستند این یکصدایی و اجماع را راحت تر غالب کنند.^۲

سه تقسیم اموال بین زنان انصار و مهاجرین

طبق نقل‌های معتبر تاریخی، خلیفه‌ی اول، اموال بسیاری را بین زنان مدینه تقسیم نمود تا نظر آنها را نیز جلب نماید و آنها را ساکت کند. در یکی از نقل‌ها آمده است که وقتی سهمی را نزد بانویی از انصار بردند، او آن را برگرداند و گفت: «آیا می‌خواهید دین مرا با رشوه بخرید؟»^۳ عجب ایمانی خداوند به بعضی از بندگان می‌دهد که در آن جو و فضای حاکم آن روز اینطور می‌ایستند و مخالفت می‌کنند. از خدا بخواهیم این ایمان را. از خدا بخواهیم که با چنین ایمانی از دنیا برویم. عاقبت به خیر شدن خیلی مهم است. ماندن



۱. این حرکت یکی از راهکارهای پیامبر ﷺ برای دور نگه داشتن عده‌ای که سودای خلافت را در سر داشتند، از شهر مدینه بود تا امیرالمومنین علیه السلام راحت تر رهبری جامعه را به عهده بگیرند اما همان افراد با شنیدن خبر سخت شدن مریضی پیامبر ﷺ سپاه را ترک نموده و به سرعت به سمت مدینه به راه افتادند. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۹۷)

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۲۵

۳. تاریخ اسلام در آیینی پژوهش، ج ۳۵، ص ۴

پای دین با تمام سختی‌ها و رنج‌ها خیلی ارزش دارد. اگر من و شما، دین خودمان را در برابر اندکی مال دنیا فروختیم دیگر آخرتی برایمان نمی‌ماند. یک زندگی ابدی در پیش داریم که باید خیلی برای آن تلاش کنیم.

چهارم: فصد فدک و معروف کردن از دریافت خمس

خلیفه‌ی اول، به جهت قدرت نمایی و تحقیر اهل بیت علیهم‌السلام، فدک را - که بسیاری از مفسران شیعی و عامه در تفسیر آیه‌ی ﴿وَأْتِ ذِي الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^۱ آن را متعلق به حضرت زهرا علیها‌السلام می‌دانند - غصب کرد و کارگران و کسانی که از سوی اهل بیت در آنجا مشغول به کار بودند را اخراج نمود. از طرفی بنی‌هاشم را از دریافت خمس منع کرد. دلیل اینکارها این بود که امیرالمومنین علیه‌السلام قدرت مالی لازم را برای مخالفت با اجماعی که ساختگی بود نداشته باشد و نتواند برعلیه آنها قیام کند و اهل بیت را مجبور به بیعت نماید.

رفتار سازی

۴- اقدامات اهل بیت علیهم‌السلام در برابر جریان مستقیمه

اینها گوشه‌ای از یک جنگ به تمام معنایی بود که خلفا برعلیه اهل بیت علیهم‌السلام راه انداخته بودند تا ثابت کنند همه‌ی



مسلمین بر خلیفه‌ی اول اجماع دارند و مخالفی نیست و کسی امیرالمومنین ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ را نمی‌خواهد. تنها راه مبارزه با این جریان نفاق، تبیین بود؛ تبیین حقانیت امیرالمومنین ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ برای امامت و مهم‌ترین سند آن که واقعه‌ی غدیر بود. بسیاری از مسلمانان مدینه در حجة الوداع حضور داشتند و کمتر از سه ماه از بیعت آنها با امیرالمومنین ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ می‌گذشت. امیرالمومنین ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ همراه با حضرت زهرا ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ و امام حسن ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ و امام حسین ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ پس از تدفین پیکر مطهر رسول خدا حضرت محمد مصطفی ص‌ل‌ل‌ه‌ و‌آ‌ل‌ه‌ و‌س‌ل‌م‌ و‌آ‌ل‌ه‌ و‌س‌ل‌م‌ سه شب به صورت مخفیانه به در خانه‌ی کسانیکه در جنگ بدر بودند می‌رفتند^۱ و از آنها بیعت می‌گرفتند.^۲ تبیین تنها راه حل بود فلذا هنگامیکه فدک توسط خلیفه غصب شد، حضرت زهرا ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ به مسجد آمدند و خطبه‌ای طوفانی خواندند و فدک را پس گرفتند. در شب‌های آینده بیشتر از جهاد تبیین در قیامی که حضرت زهرا ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ به پا کردند بحث می‌کنیم اما کمی بیندیشیم که ما در راه دفاع از ولایت اهل بیت، چه کرده ایم؟ تا به حال در خانه‌ی کسی را زده ایم تا درباره‌ی امام زمان ع‌ج‌ا‌ل‌ل‌ه‌ و‌آ‌ل‌ه‌ و‌س‌ل‌م‌ و‌آ‌ل‌ه‌ و‌س‌ل‌م‌ با او صحبت کنیم؟ کسی را به سپاه آقا جانمان بقیة الله الاعظم ع‌ج‌ا‌ل‌ل‌ه‌ و‌آ‌ل‌ه‌ و‌س‌ل‌م‌ و‌آ‌ل‌ه‌ و‌س‌ل‌م‌ وصل کرده ایم؟ لطف و عنایات آنها را به کسی نشان داده ایم؟ چقدر معارف و فضائل اهل بیت ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌



۱. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۰-۵۸۱

۲. طبق نقل‌های تاریخی ۴۴ نفر با امیرالمومنین بیعت کردند و قرار شد فردای آن روز با سر تراشیده بیایند که به جز ۴ نفر، کسی اینکار را انجام نداد.

را تبلیغ کرده ایم؟ چرا ما مثل حضرت زهرا ع جهاد نمی‌کنیم؟ چرا امام خود را اینگونه غریب و تنها رها کرده ایم؟ دلیل اصلی غربت امیرالمومنین ع نداشتن یار بود. دلیل غربت امام زمان ع هم نداشتن یار هست. چقدر یار جمع کردیم برای یاری امام زمان مان؟

روضه

حضرت زهرا ع برای دفاع از امام زمانش، جان خودش و محسنش رو فدا کرد. چه کردند با آن حضرت؟ یا صاحب الزمان آقا جان ببخشید که من اینطور روضه می‌خونم: این روضه‌ای هست که خود خدا برای پیغمبرش خونده!

وَأَمَّا ابْنَتُكَ، فَتُظْلَمُ وَ تُحْرَمُ: اما دختری فاطمه بهش ظلم میشه، از حق خودش محروم میشه. وَ يُؤْخَذُ حَقُّهَا غَضَباً الَّذِي تَجْعَلُهُ لَهَا: فدکی که خودم بهت دستور دادم به فاطمه بده، فدک رو به زور ازش میگیرند. دیگه چی؟! يُدْخَلُ عَلَيْهَا وَ عَلَى حَرِيمِهَا وَ مَنْزِلِهَا بِغَيْرِ إِذْنٍ: بدون اجازه و بدون اذن وارد خونه‌ی فاطمه میشن. ای کاش فقط وارد بشن. ثُمَّ يَمَسُّهَا هَوَانٌ وَ ذُلٌّ: فاطمه دختری مانع ورود اونها میشه، رد بشم از این عبارت. وَ تَطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا: دختری زهرا بارداره. تُضْرَبُ وَ هِيَ حَامِلٌ: مراعاتش نمیکنند، اونقدر می‌زنند، وَ هِيَ تَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الضَّرْبِ: اونقدر بین در و دیوار دختری رو می‌زنند که دختری بستری میشه و به همین



ضربات از دنیا میره
 هیچ دانی دختر خیرالبشر
 از چه آمد جای حیدر پشت در؟!
 دید مولایش علی تنها شده
 خانه اش محصور دشمنها شده
 من که تنها دختر پیغمبرم
 پشت این در پیشمرگ حیدرم
 اولین قربانی حیدر منم
 آن که باشد مرد این سنگر منم
 بچه های فاطمه دارند این صحنه رو می بینن! زینب
 اینجا پنج سال بیشتر نداره، دید مادر توی این دود و آتش،
 بین نامحرمها، توی هجوم مهاجمین به پیغمبر استغاثه
 میکنه، این درس رو یادگار برای خودش نگه داشت کربلائیها
 ! پنجاه سال بعد، روز یازدهم اومد کنار گودال قتلگاه، دید
 یه بدنی إرباً إرباً روی خاک گرم کربلا بی سر، بی عمامه، بی
 نعلین و لباس و انگشتر. فریاد زد: «وامحمداه، صَلَّی عَلَیْکَ
 مَلِیْکُ السَّمَاءِ، هَذَا حَسِیْنُ بِالْعَرَاءِ، مُرَّمِّلٌ بِالْدِّمَاءِ، مُقَطَّعُ
 الْأَعْضَاءِ» هر جا نشستی ناله بزن یا حسین...





اهداف جهاد فاطمی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ، نَسْتَغْفِرُهُ وَنَشْكُرُهُ وَنَتَوَسَّلُ إِلَيْهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَنُصَلِّي وَنُسَلِّمُ عَلَى خَيْرَتِهِ فِي خَلْقِهِ حَافِظِ سِرِّهِ وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِهِ، سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْمُنتَجِبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ. انشاالله زیارت قبور ائمه بقیع قسمت و روزی همه مان شود، هدیه به محضر مطهر بانوی دو عالم، فاطمه ی زهرا علیها السلام صلواتی ختم بفرماید.



ایستاد گزین از اهل بیت

در جلسه ی قبل عرض کردیم که جریان نفاق برای کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینی او نقشه کشیده بودند و تا خبر شدت

یافتن مریضی پیامبر ﷺ را شنیدند، سریعاً سپاه اسامه را ترک کرده و خودشان را به مدینه رساندند. بعد هم در جریان سقیفه خود را به عنوان خلیفه معرفی کرده و با حيله های مختلف از مسلمانان بیعت گرفتند و فضایی را بوجود آوردند که دیگر کسی سمت بیعت با امیرالمومنین ع نرود و همگی بر خلیفه ی اول اجماع داشته باشند بر خلیفه ی اول. اقدامات این گروه به گونه ای بود که کسی نمی توانست در مقابل آنها بایستد و مخالفان را تطمیع یا تهدید می کردند: فقط امیرالمومنین ع و تعداد کمی از یارانش با خلیفه اول بیعت نکرده بودند و جریان نفاق هم می دانستند که آن حضرت هرگز با آنها بیعت نخواهد کرد. لذا به دستور خلیفه، شورایی تشکیل شد تا نسبت به کسانی که بیعت نکردند، تصمیم گیری کنند. نتیجه این شد که به سراغ عباس عموی پیامبر بروند و به او مقدار زیادی پول پیشنهاد بدهند که با مخالفت عباس بن عبدالمطلب مواجه شدند. ^۱ بسیاری از مخالفان خلافت تهدید به مرگ می شدند و به ناچار بیعت می کردند. جریان نفاق دست به هرکاری میزد تا کسی اجماع را نشکند و مخالفت نکند. ^۲ تحریم اقتصادی جریان حق نیز یکی دیگر از برنامه های این جریان بود و برای آن دو کار اساسی انجام دادند: یک غصب فدک و دو



۱. این اتفاق دوشب پس از رحلت پیامبر ﷺ رخ داد و عباس عموی پیامبر نیز این پیشنهاد را با جواب کوبنده ای رد نمودند. (ر. ک سقیفه، صفحه ی ۷۳ / اسرار آل محمد، ص ۲۱۳)

۲. کتاب اسرار آل محمد، ص ۲۱۱.

محروم کردن بنی هاشم از دریافت خمس. می خواستند با قطع درآمد های امیرالمومنین علیه السلام مانع بشوند که حضرت قدرت مالی کافی را برای قیام داشته باشد.

فضای آن روز مدینه را باید به خوبی تصور کنیم تا بفهمیم حضرت زهرا علیها السلام چرا قیام کردند و چه اهدافی داشتند. باید تاریخ را خوب بدانیم و جریانات مختلف را بشناسیم تا بتوانیم تحلیل درستی داشته باشیم و آنچه که اهل بیت علیهم السلام از ما می خواهند را انجام دهیم. گوش کردن به روضه ها و اشک ریختن لازم است اما کافی نیست. باید ابعاد مختلف حیات معصومین را مورد بررسی قرار دهیم. در این سالها بیشتر به مباحث همسر داری و تربیت فرزند و عبادت حضرت زهرا علیها السلام پرداخته شده و کمتر از عالی ترین بُعد شخصیتی ایشان یعنی مجاهدت در راه خدا صحبت شده است. فکر کنیم به اینکه چگونه جامعه ی اسلامی به جایی رسید که در خانه ی دختر پیامبر را آتش می زنند و فرزندش را می کشند و از هیچکس صدایی بلند نمی شود؟ این خیلی مهم است. ببینید منافق چگونه در لباس دین خود را مخفی می کند و اعتماد مسلمین را جلب می نماید و سپس در فرصت مناسب ضربه ی کاری را وارد می سازد. در عصر ما هم داستان همین است: عده ای ظاهر اسلامی و دینی به خود می گیرند و تسیح در دست می چرخانند اما از آنطرف بدترین خیانت ها را به مسلمین می کنند.



انکساع الدین

۲- بانوی مجاهد

اگر دانستیم که حضرت زهرا علیها السلام در مقابل چه جریانی قرار گرفته بود، آنوقت خواهیم فهمید که چرا اینگونه مظلومانه به شهادت رسید. اینکه از لفظ مجاهد برای حضرت زهرا علیها السلام استفاده می‌کنیم بخاطر این است که ایشان یک تنه در مقابل جریانی قرار گرفت که برای انحطاط جامعه‌ی اسلامی و انحراف مسیر امامت نقشه کشیده بودند و همانطور که حضرت در خطبه‌ی فدکیه فرمودند: «سَمَلْ جِلْبَابُ الدِّينِ» یا این کار آنها، لباس دین پوسیده شد و از بین رفت. از این باب حرکت حضرت زهرا علیها السلام جهاد است که اسلام را می‌خواهد نجات دهد و آن را به راه درست خود بازگرداند و چه جهادی بالاتر از این؟ هدف اصلی جریان نفاق این بود که بگویند پیامبر صلی الله علیه و آله جانشینی را برای خود تعیین نکرده است^۱ و امر خلافت را به عهده‌ی مسلمین گذاشته و همه‌ی مسلمانان نیز بر سر خلیفه‌ی اول اجماع دارند. اگر حضرت زهرا علیها السلام که محبوب‌ترین و عزیزترین افراد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود در مقابل این جریان بایستد و حق و حقیقت را تبیین کند، قطعاً برنامه‌های آنها به هم



۱. خلیفه‌ی اول در خطبه‌های متعدد به این مطلب که پیامبر صلی الله علیه و آله جانشینی را برای خود تعیین نکرده است اشاره می‌نماید از جمله در خطبه‌ی بیعت گرفتن در مسجدالنبی و خطبه‌های دیدار با عباس عموی پیامبر. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۳)

خواهد ریخت.. جهاد یعنی در مقابل دشمنی که میخواهد دین را نابود کند بایستی حتی اگر تنها باشی و عاقبتی جز شهادت در انتظارت نباشد. در شب های آینده به اقدامات هوشمندانه حضرت زهرا ع.ا.س. که منجر به برملا شدن نقشه ها و طراحی های جریان نفاق شد اشاره خواهیم کرد اما امشب به یک موضوع مهم می‌خواهیم پردازیم.

۳- امامت در رکع دین

اگر کسی روایات اهل بیت را ملاحظه کند، شک نمی‌کند آن چیزی که انتظام داخلی دین را برعهده دارد، یعنی تمام بار روی آن ستون است، ولایت می‌باشد. در روایت شریفی که از امام باقر ع.ا.س. نقل شده است می‌فرمایند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»^۱ ولایت و امامت اهل بیت ع.ا.س. ستون و پایه‌ی بنای دین است و اگر این ستون نباشد نماز و روزه و زکات و حج فایده‌ای ندارند. ولایت نخ تسبیحی است که تمام ارکان و افراد و جزئیات و فروع و اصول را در بر گرفته است و کنار هم نگه داشته. شما تصور کنید یک ستونی در اینجا باشد که اگر آن ستون را خراب کنید همه‌ی ساختمان خراب بشود. ولایت اهل بیت هم در حکم مانند همین ستون هستند که اگر نباشند خیمه‌ی دین



می‌افتد. اینکه اینقدر تکرار می‌کنیم که به عید غدیر اهمیت بدید و تا جایی که می‌توانید برای امیرالمومنین علیه السلام خرج کنید به خاطر ارزش مسئله‌ی امامت است.

اینکه حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «دین پوسیده شد و از بین رفت» بخاطر اهمیت موضوع امامت است وگرنه در آن ده روز که آنان حکمی از احکام الهی را تغییر ندادند و بعداً هم دیدیم این انحراف، چه بلایی بر سر جامعه آورد و امام حسین علیه السلام ار در کربلا چگونه شهید کردند. خیلی باید دقت کنیم! موضوع خیلی موضوع مهمی است. خداوند متعال در آیات بسیاری، ولایت اهل بیت را در راستای ولایت پیامبر و ولایت الله معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱ در منابع شیعه^۲ و اهل سنت^۳ تصریح شده است که منظور از «اولی الامر» مولای ما امیرالمومنین علیه السلام است.

پیامبر در روزهای آخر عمرشان به امیرالمومنین علیه السلام وصیت کرده بودند که قرآن را با تفسیرش جمع آوری کنند و ایشان هم این کار را انجام دادند و هنگامیکه به مسجد بردند و مردم را به پیروی از قرآن توصیه نمودند خلیفه‌ی دوم در جواب ایشان گفت: ما را همین قرآنی که داریم بس



۱. نساء، ۵۹.

۲. غایة المرام و حجة الخصام، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۰۹-۱۱۵.

۳. ابن مردویه، مناقب علی بن ابی‌طالب، ص ۲۳۶ / حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.

است.^۱ چون می‌دانست که اگر این قرآن را بپذیرند مجبورند ولایت امیرالمومنین علیه السلام را نیز بپذیرند. همه‌ی همت جریان نفاق این بود که نگذارند حق و حقیقت روشن و آشکار گردد تا مردم دور آن جمع شوند. جنگ رسانه‌ای اختصاص به زمان ما ندارد و در آن دوره هم بوده است. چگونه توانستند این همه دلیل روشن بر امامت امیرالمومنین علیه السلام را به حاشیه ببرند و خودشان را رهبر کنند؟

هدف حضرت زهرا علیه السلام، تبیین حقانیت امیرالمومنین علیه السلام برای امامت بود و یک تنه در این راه ایستاد و روشنگری کرد؛ با بیان، با اشک، با رفتن به در خانه صحابه، با شهادت، با وصیت به دفن شبانه همگی تبیین کننده‌ی این بود که واقعه‌ی مهمی در حال رخ دادن است.

عزیزان این نکته را بسیار دقت کنید، همه‌ی حواس هایتان به من باشد؛ مسئله‌ی امامت و ولایت اینقدر مهم است که حضرت زهرا علیه السلام جان خود را در راه دفاع از آن فدا کرد وگرنه هیچ چیز دیگری در عالم بالاتر از جان مبارک دختر عزیز پیامبر نیست! صدیقه‌ی طاهره جانش را فدای شوهرش نکرد بلکه جانش را فدای امامش کرد و اولین شهیده‌ی راه ولایت شد. فاطمیه یک دوره‌ی آموزشی ولایت شناسی و نحوه‌ی اطاعت از امام است. در فاطمیه باید از امام بگوییم. از امامی که غریب گذاشته‌ایم!

۱. ر. ک اسرار آل محمد علیهم السلام، ص ۲۲۲.





۴- دفاع از ولایت همچنان هزینه داره

در فاطمیه باید از ولایت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و فرزندانش حرف بزیم. در فاطمیه باید عهد و پیمان خودمان را با امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ تجدید کنیم. فاطمیه یعنی آماده‌ایم برای ادامه دادن راه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و گرفتن انتقام خون آن حضرت از دشمنان.

کسی نگوید که حاج آقا! این همه مشکل اقتصادی و فرهنگی دارند مردم، آنوقت شما آمده‌ای داستان ۱۴۰۰ سال پیش را تعریف میکنی؟ برادرانی که در جلسه حضور دارید! خواهرانی که صدای من را میشنوید! فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ ۱۴۰۰ سال قبل با خون خودش، وظیفه‌ی من و شما رو مشخص کرده. ما در حق ایشان کم گذاشته‌ایم. او راه را به ما نشان داده و گفته برای دفاع از ولایت امیرالمومنین و فرزندانش باید قیام کنید؛ حتی اگر تنها باشید! ما چیکار کرده‌ایم برای منتقم خون حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ همین اطرافیان خودمان: خواهر، برادر، فرزند، دوست و آشنا به کسی رو زده‌ایم برای اینکه دست او را در دست مهدی فاطمه بذاریم؟ هنوز هم دفاع از ولایت و جمع کردن یار برای امام هزینه دارد! آقا آبرویمان می‌رود. آقا دیگر کسی با ما صحبت نمی‌کند! آقا همه ما را طرد می‌کنند. بخدا قسم آگه امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ به



ما یه نگاه بیندازد برای دنیا و آخرت ما کافیست. افراد زیادی بودند که با یک نگاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متحول شدند و چه زندگی ابدی برای خودشان ساختند. ما که در راه دفاع از او سیلی نخورده‌ایم! ما که در دفاع از آقامون صدمه‌ای ندیده‌ایم!

روضه

بریم در خانه‌ی امیرالمومنین. لحظات آخر عمر مادرسادات رسیده. قبل از اینکه کسی دست یتیمی به سر بچه‌هاش بکشد، خود حضرت برای آخرین بار موهای بچه‌ها رو شانه کرد اونا رو شستشو داد؛ با همون دستی که غلاف شمشیر خورده بود، فضا می‌گه هر چی خانم گفت: گوش کردم، آب گرم کردم، حسنین و زینب و آروم می‌شست، دست می‌لرزه، جوان هیجده ساله دستش داره می‌لرزه، بچه‌ها رو که شست، غذا تهیه کرد، غذاشون چی بود، چند قرص نان؛ دو پسرهارو فرستاد مسجد، دخترم فرستاد خانه فامیل کنار خونه خودش، بعد فرمود فضا آب داریم، آره بی بی جان؛ فرمود: می‌خوام خودمو شستشو بدم، این خونها رو پاک کنم، فضا می‌گه دیدم آب هی می‌ریخت، کمک می‌کرد این پیراهن از بدن جدا بشه، پیراهن چسبیده بود به زخم، فضا میگه من جرأت نمی‌کردم، دست بزنم، هی آب می‌ریخت از زیر پیراهن، بدن و شستشو می‌داد،



می فرمود، امشب اگر علی خواست بشوره، باید همینطوری که خودم شستم، بشوره، لباس نو برایش آوردم، فرمود: به هر طریقی شده مواظبت کن علی این پیراهن رو در نیاره، فضا می‌گه: زهرای مرضیه علیها السلام، فرمود: من نماز مغرب رو می‌خونم، بعد از نماز رو به قبله دراز می‌کشم، روپوشی رو صورتم می‌اندازم، لحظاتی که گذشت، بیا منو صدا کن، اگه جوابتو ندادم، زود برو مسجد علی رو بگو بیاد، فضا می‌گه دیدم آروم دراز کشید، رو به قبله بعد از نماز، لحظاتی گذشت دلم پریشون بود، اومدم صداش زدم، یا بنت خیر خلق الله، یا بنت رسول الله، یا فاطمه، یا أم الحسن و الحسين، دیدم جواب نمی‌ده، روپوشو از صورتم برداشتم، وای، وای فضا می‌گه دویدم در مسجد، صدا می‌زدم، علی پاشو بیا فاطمه ات از دنیا رفت.

سلمان می‌گه من نشسته بودم کنار آقا، آقا وقتی صدای فضا رو شنید، بلند شد که بیاد به سمت دریه وقت دیدم از پشت رو زمین افتاد، آی... لحظاتی گذشت، حالش به جا اومد، هی می‌گفت: بمن العذا، کیه دیگه به من تسلی بده.

تب غم ناله اش در جوش می‌رفت

همان خیبر شکن از هوش می‌رفت

به هوش آمد سوی خانه روان شد

به سوی نعش مظلومه دوان شد



رسید و دید یارش بر زمین است
همه دار و ندارش بر زمین است
نشست و خیمه زد بر جسم بانو
سر بانو نهاده روی زانو
فرمود: من علیم، کلّینی یا فاطمه، صدای علی دوباره
زنده اش کرد،
تلفظ کرد با آن باغ چیده
تکلم کرد با یار شهیده
که ای خورشید بی همتا
علیم لب از لب باز کن زهرا
سخن های علی اعجاز می کرد
که زهرا چشم بر او باز می کرد
اللعنة الله على القوم الظالمين و «سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ
مَنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»





اقدامات تبیینی حضرت زهراء عليها السلام (بخش اول)



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم و
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم، حسبنا الله ونعم الوكيل،
نعم المولى ونعم النصير. رب اشرح لي صدري ويسر لي
امري واحلل عقده من لساني يفقهوا قولي.

الحمد لله رب العالمين باريء الخلائق اجمعين باعث
الانبياء والمرسلين. ثم الصلاة والسلام علي خير خلقه
واشرف بريته حبيبنا وحبیب اله العالمين ابي القاسم
مصطفى محمد و علي آله الطيبين الطاهرين المعصومين
سيما بقية الله في الارضين و اللعن علي اعدائهم و
منكري فضائلهم اجمعين. انشاالله آنچه ميگوييم و آنچه
ميشنويد مورد رضایت قطب عالم امکان حضرت بقية الله
الاعظم عنه الله تعالى فرجه الشريف قرار بگيره، هديه به محضر مقدس آقا جانمان
صلواتی ختم بفرماييد

ایچاه الکبیره

آنچه که در جلسات قبل به محضر سروران ارجمند ارائه شد، تحلیلی بود از جریان حاکم بر شهر مدینه پس از رحلت نبی مکرم اسلام ﷺ و اقداماتی که آنها برای ساختن اجماع از جمله بیعت گرفتن اجباری انجام دادند. همچنین دلیل قیام حضرت زهرا علیها السلام در مقابل این جریان که موضوع با اهمیت امامت بود را بیان کردیم و امشب به برنامه‌ها و حرکات آن حضرت در راستای دفاع از امیرالمومنین و تبیین حقانیت ایشان برای ولایت می‌پردازیم.

خطبه فدکیه

در این زمان دیگر تمام خطبه‌های مقتدرانه، اشک‌های مظلومانه، دفن شبانه، گفتگوهای هوشمندانه حضرت زهرا علیها السلام فقط یک هدف داشت و آن هم نجات سرنوشت امت بود؛ نجات امت از این انحراف بزرگ و احقاق حق امیرالمومنین علیه السلام برای امامت جامعه اسلامی. قیام حضرت زهرا علیها السلام با خطبه‌ای طوفانی در مسجدالنبی شروع می‌شود که معروف است به خطبه‌ی فدکیه.

یکی از اقداماتی که خلیفه‌ی اول در ابتدای خلافت به جهت کنترل اوضاع و تضعیف قدرت امیرالمومنین علیه السلام انجام داد، تحریم اقتصادی اهل بیت بود؛ درآمدهایی که اهل بیت از



طریق دریافت خمس و یا زمینهای فدک داشتند را قطع کرد.^۱ هنگامیکه آیهی شریفه‌ی ﴿وَأْتِ ذِي الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^۲ نازل شد نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله)، زمین های فدک که بدون جنگ تصرف شده بودند را به پاره‌ی تن خود بخشیدند و تا زمان رحلت آن حضرت، اهل بیت از منافع آن سرزمین بهره مند می‌شدند اما پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خلیفه‌ی اول با استناد به روایت جعلی که برای اولین بار از او نقل شد مبنی بر اینکه پیامبران مالی را به ارث نمی‌گذارند و هرچه از اموال شان باقی بماند صدقه است، کارگرانی را که به دستور اهل بیت در آنجا مشغول به کار بودند اخراج کرد.^۳ این کار برای تثبیت قدرت خلیفه لازم بود و اگر حضرت زهرا (علیها السلام) در برابر این حرکت سکوت می‌کردند، معنای تسلیم شدن داشت. فلذا وقتی تصمیم آنها بر عدم بازگرداندن فدک را شنیدند، چادر به سر کرده و به همراه عده‌ای از خدمتگزاران شان و زنان مدینه به مسجد النبی آمدند. در آنجا پرده‌ای بین زنان و مردان قرار گرفت و در ابتدا حضرت آهی کشیدند که

۱. بسیاری از اصحاب پیامبر که طرفدار امیرالمومنین بودند در زمان روی دادن این اتفاقات در سپاه اسامه حضور داشتند. این سپاه طبق قول های مختلف بین ۵۰ تا ۶۰ روز پس از رحلت پیامبر به مدینه بازگشتند. فلذا قدرت خلیفه برای انجام این کارها زیاد شده بود.

۲. اسراء، ۲۶

۳. با وجود اینکه خلیفه‌ی اول می‌دانست که این زمین‌ها را پیامبر پس از نزول آیه‌ی قرآن به حضرت زهرا بخشیده اما از او درخواست شاهد کرد. حضرت زهرا (علیها السلام) دو نفر را به عنوان شاهد آوردند: امیرالمومنین (علیه السلام) و ام ایمن که پیامبر در وصف او فرمود که از زنان بهشتی است. اما خلیفه اول هیچکدام را نپذیرفت و از طرفی چون بسیاری از یاران اهل بیت در لشکر اسامه بیرون از مدینه حضور داشتند و نبودند تا قسم یاد کنند، حضرت نتوانستند زمین های فدک را پس گیرند.



همه‌ی جمع را منقلب کرد.

توصیه‌ی بنده این است که حتماً این خطبه‌ی توحیدی-سیاسی را به همراه ترجمه بخوانید. ابتدای آن با مضامین عالی خداشناسی است و سپس گفتارهایی ناب درباره‌ی پیامبر و دینی که به میان مردم آورد. آن مطلبی که روشن‌کننده‌ی اوضاع جامعه و برملاکننده‌ی چهره‌ی بزک‌شده‌ی جریان نفاق است این بخش از خطبه می‌باشد: -از روی متن برایتان می‌خوانم تا بتوانیم کامل و درست مطلب را تحلیل کنیم-

انکاح الانبیاء

«فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَمَأْوَىٰ أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ: و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت. وَ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَعَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ: -بینید حضرت زهراء ع که چگونه این غاصبان را رسوا می‌کند و نقشه‌هایشان را برملا می‌نماید- و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌های‌تان بی‌آمد. این سخنان مقتدرانه‌ی فاطمه‌ی زهراست به جهت روشن نمودن فضای تاریک و غبارآلود آن روزهای مدینه.



اگر بخواهیم این عبارت‌ها را توضیح دهیم و دقیق بررسی کنیم، یک فاطمیه‌ی کامل باید برای آن وقت بذاریم اما با توجه به همین زمان اندکی که در این جلسات داریم، فقط بخش‌هایی از عباراتی که اوج تبیین گری حضرت زهراست را اشاره می‌کنیم:

بعد حضرت با استناد به آیات قرآن کریم حکم ارث بردن از پیامبران را اینگونه مطرح می‌کنند: «أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَلْغَلَبُ عَلَىٰ إرْثِي؟ يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفَىٰ كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَلَا إِرْثَ أَبِي؟ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا: ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی‌قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی. «أَفَعَلَىٰ عَمَدٍ تَرْكُتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَنَبْدُتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ﴾^۱ وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ زَكْرِيَّا إِذْ قَالَ: ﴿فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ﴾^۲: آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گویند «سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد».

در بخش دیگری از سخنان خود آن حضرت فرمود: «أَنْتُمْ عِبَادَ اللَّهِ نُصِبُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ، وَحَمَلَهُ دِينَهُ وَوَحْيِهِ، وَ أَمَنَاءُ اللَّهِ



۱. نمل، ۱۶

۲. مریم، ۵

عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ، وَبُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ، وَزَعَمْتُمْ حَقَّ لَكُمْ، اللَّهُ فَيَكُمُ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَبَقِيَّتُهُ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ: شما ای بندگان خدا! که پرچمداران امر و نهی خدا و حاملان دین و وحی می‌باشید، امانت داران خدا بر خودتان، و رسانندگان آن به امتها هستید، و گمان کردید که حقی برای شما است، برای خدا در میان شما پیمانی است که به سوی شما عرضه کرده است، و پس از پیامبر ﷺ جانشینی است که برای شما باقی مانده است.

کسی که فهمی از قرآن ندارد در مقابل چنین استدالات محکمی قطعاً محکوم می‌شود و چاره‌ای جز تسلیم شدن ندارد. طبق نقل‌های معتبر، خلیفه‌ی اول که تحت تاثیر کلام شیوا و طوفانی فاطمه‌ی زهرا قرار گرفته بود، دست خطی نوشت و فدک را به آن حضرت بازگرداند.^۱ بارها روضه‌ی این ماجرا را خوانده ایم و اشک ریخته ایم ولی هیچوقت حماسه‌ی حضرت زهرا ع که باعث تسلیم شدن آنان شد

۱. در اینجا چند نقل وجود دارد: شیخ صدوق در الاختصاص از امام صادق ع نقل کرده است که بعد از رحلت پیامبر اکرم ص فدک که از طرف آن حضرت به فاطمه زهرا ع اعطا شده بود توسط خلفا غصب شد. بعد از خطبه‌ی حضرت در مسجد، خلیفه اول گفت: راست می‌گویی، سپس در ورقه‌ای مطلبی نوشت که دال بر برگرداندن فدک به آن حضرت بود. زمانی که فاطمه زهرا ع بیرون آمد بین راه خلیفه دوم را دید و خلیفه از آن نوشته سؤال کرد و حضرت فرمود: نوشته‌ای است که خلیفه اول برای برگرداندن فدک برایم نوشته است. گفت: آن را به من بده ولی حضرت ابا کرد و آن را نداد در این جا سیلی خوردن حضرت اتفاق افتاد (شیخ مفید، الاختصاص، ص ۱۸۳-۱۸۵)

نقل تاریخی دیگر متعلق به علامه مجلسی است که می‌فرماید: در موقع هجوم به خانه فاطمه زهرا ع، خلیفه دوم سیلی به صورت آن حضرت زد و از ضرب آن گوشواره‌شان شکست (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸)



را اشاره نکردیم. این اقتدار و قدرت فاطمه‌ی زهراست! حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام مظلوم بود و بسیار هم درباره‌ی مظلومیتش باید گفت اما این بُعد از شخصیت‌شان که سرشار از حماسه و قدرت است را هم باید دید و درس گرفت.

۴- مراجعت شبانه به خانگی انصار و مهاجرین

اقدام بعدی حضرت در راستای تبیین حقانیت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام، مراجعت شبانه به خانگی انصار و مهاجرین بود. طبق نقل‌های مختلف ایشان چهل شب همراه با امیرالمومنین و امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام به در خانگی صحابه‌ی پیغمبر می‌رفتند و برای دفاع از ولایت طلب یاری می‌کردند^۱. در جلسات قبل هم اشاره کردیم که این جمع ۴ نفره، پس از جریان سقیفه، سه روز به در خانگی کسانی رفتند که در جنگ بدر حضور داشتند اما با بازگشت لشکر اسامه که بسیاری از صحابه‌ی خاص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و یاران امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَام در آن حضور داشتند فضای بهتری برای تبیین حقانیت و کاهش غبار فتنه بود. فتنه چیزی نیست که در عصر حاضر بوجود آمده باشد بلکه عده‌ای ۱۴۰۰ سال قبل

۱. شیخ مفید به نقل از امام صادق علیه السلام می‌نویسد: ثُمَّ خَرَجَتْ وَ حَمَلَهَا عَلَيَّ عَلَيَّ أَنَا عَلَيْهِ كِسَاءٌ لَهُ حَمَلٌ فَدَارَ بِهَا أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فِي بُيُوتِ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مَعَهَا. وَ هِيَ تَقُولُ يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ انصُرُوا اللَّهَ فَإِنِّي ابْنَةُ نَبِيِّكُمْ وَ قَدْ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ بَايَعْتُمُوهُ أَنْ تَمْنَعُوهُ وَ دُرَيْتُهُ مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَ دَرَارِيَكُمْ فَفُوا لِرَسُولِ اللَّهِ ص بِنِعْتِكُمْ (الاختصاص شيخ مفيد ص ۱۸۴؛ بحار الأنوار



با ایجاد فتنه‌ای توانستند مسیر امامت را منحرف کنند و خود را به قدرت برسانند.

حضرت زهرا علیها السلام به تنهایی در مقابل این فتنه‌ی از قبل طراحی شده ایستادند و این اوج جهاد فاطمه‌ی زهراست. حضرت هرچه که داشتند را برای دفاع از ولی به میدان آوردند: اعتبار، آبرو و حتی فرزندان کوچک خودش را هم با خود آورده بودند. اگر این چهار نفر که اصحاب کسا هستند دست شان را به سمت آسمان بالا ببرند، برکت و نعمت از آسمان‌ها نازل می‌شود. همین چهارنفر بودند که در روز مباحله پیامبر آنها را با خود همراه آورده بود. اما در مدینه‌ی آنروز به تعداد انگشتان یک دست فقط به دختر رسول الله جواب مثبت دادند.^۱ هیچکسی از در خانه‌ی اهل بیت دست خالی برنمی‌گردد اما چه کردند مردم مدینه با آن دردانه‌های خلقت؟

۳- سلاح اشک

پنج نفر در طول تاریخ به عنوان کسانی معروف شدند که بسیار گریه کرده‌اند؛ حضرت آدم در فراغ بهشت، حضرت یعقوب و یوسف در فراغ یکدیگر، حضرت زین العابدین در



۱. در آخرین شبها که به منزل سعد بن معاذ رفته بودند. حضرت از او درخواست همراهی با امیرالمومنین و بازپس گیری فدک را نمود که او در جواب حضرت از ایشان سوال کرد که آیا تا به حال کسی به شما پاسخ مثبتی داده و ایشان فرمودند: قَالَتْ لَا مَا أَجَابَنِي أَحَدٌ. (همان)

مصیبت پدر و بانوی دو عالم صدیقه‌ی طاهره (علیها السلام) ۱! طبق نقل‌های معتبر، آن حضرت به حدی روزها و شبها گریه می‌کردند که صدای غاصبان درآمد و دیدند هرکس که به مسجد می‌آید تا صدای دختر پیامبر را می‌شنود متحول می‌شود.^۲ فلذا به امیرالمومنین (علیه السلام) گفتند که به زهرا بگو یا شبها را گریه کند و یا روزها را.^۳ خدا عذاب مردم آن روز مدینه را زیادتر کند که به سراغ حضرت نرفتند و او را یاری نکردند. مگر آیه‌ی قرآن را نشنیده بودند که می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۴ مگر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده بود که: «فاطمة بضعة منی من اذاها فقد آذانی ومن آذانی فقد آذی الله: هرکس او را اذیت کند مرا اذیت کرده.»^۵ پس چرا این مردمی که در جاهلیت بودند و با بدبختی زندگی می‌کردند و به کمک پیامبر تواستند از آن منجلاب بیرون بیایند، با دختر او چنین رفتاری کردند؟ این درد خیلی بزرگی است. مادر سادات شبانه روز گریه کند و مردم سکوت کنند. باید بررسی کنیم که چرا مردم جامعه چند روز پس

۱. حلیة الأولیاء، ج ۲، صفحه‌ی ۴۳

۲. خانه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) نزدیکی مسجدالنبی قرار داشته که مرکز حکومت و اداره جامعه بوده است. البته مشخص نیست که کدام خانه‌ی امیرالمومنین (علیه السلام) به آتش کشیده و قتل‌های مختلفی است که به نظر می‌رسد قول نزدیکتر به واقع خانه‌ی حارس بن نعمان باشد.

۳. روایت‌های ضعیفی در بحارالانوار وجود دارد که مردم از امیرالمومنین خواستند که به حضرت زهرا بگوید یا شبها گریه کند و یا روزها که خود علامه مجلسی هم این روایات را ضعیف شمرده و به نظر می‌رسد نظریه‌ی درست این باشد که جریان نفاق از حضرت خواسته باشند تا حضرت زهرا به بیرون مدینه برود.

۴. شور، ۲۳

۵. بحار الأنوار ج ۴۳ ص ۸۰



از فقدان پیامبر اینگونه با پاره‌ی تن او برخورد کردند؟ این سوال خیلی مهمی است که راز مظلومیت فاطمه‌ی زهرا ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ا چیست؟ یکی از سلاح‌ها و روش‌های مبارزاتی حضرت زهرا، اشک و گریه بود. وقتی دختر پیامبر ص‌ل‌ی‌ه‌و‌ا‌ل‌ی‌ه‌و‌ا‌ل‌ل‌ه چنین مظلومانه اشک می‌ریزد، قطعاً بر روی عواطف و احساسات مردم اثر می‌گذارد و اذهان عمومی را تحت تأثیر قرار می‌داد. یعنی حضرت در جهادشان هم در جنبه عقل و اندیشه‌ی مردم با بیان شان کار کردند و هم در جنبه‌ی احساسات و عواطف. در جهاد تبیین باید از تمامی گرایش‌ها و بُعدهای انسان بهره برد تا اثر مطلوب را داشته باشد.

در حدیث شریفی از امام صادق ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ا نقل شده است که فرمودند: «تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ الْإِثْنَيْنِ وَالْأَحْمِيسَ فَتَقُولُ هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَاهُنَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ: حضرت فاطمه ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ا هفته‌ای دو بار در روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زیارت شهدای احد می‌رفت و آنها را زیارت می‌کرد و محل جنگ رسول خدا ص‌ل‌ی‌ه‌و‌ا‌ل‌ی‌ه‌و‌ا‌ل‌ل‌ه با مشرکین را دقیقاً نشان می‌داد.»^۱

این حرکت حضرت زهرا ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ا چندین وجه داشت که اگر بخواهم به مهم‌ترین شان اشاره کنم عبارتند از: یک اینکه مزار شهدای جنگ احد، مردم را به یاد جنگ احد و دلاوری‌های امیرالمومنین ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ا می‌انداخت. در آن جنگ شایعه



کردند که پیامبر کشته شده و همه سراسیمه فرار کردند به جز امیرالمومنین که ایستاد و یک تنه عَلم اسلام را نگه داشت و در نهایت پیروز شدند. آن کسانی که خلیفه شدند همان هایی بودند که از صحنه ی جنگ فرار کردند و پیامبر را تنها گذاشتند و این دلیل محکمی بود بر برتری امیرالمومنین علیه السلام نسبت به آنان. دوم اینکه اشاره داشت به نبود مردانی همچون جعفر بن ابی طالب و حمزه ی سیدالشهدا در میان مردم مدینه زیرا همانطور که امیرالمومنین علیه السلام هم در خطبه هایشان فرمودند: «اگر حمزه و جعفر در زمان سقیفه زنده بودند قطعاً جریان نفاق را نابود می کردند.»^۱ اگر چنین مردانی در میان مردم مدینه بود هرگز امیرالمومنین علیه السلام خانه نشین نمی شد. وجه سوم حضور حضرت، جدا شدن از مردم مدینه بود و نشان دادن غربت و تنهایی خود. اینکه دختر پیامبر از مردم دوری کند و تنهایی به گوشه ای برود، برای جامعه اسلامی بسیار هشدارآمیز بود. وجه دیگری که برای این حرکت حضرت زهرا علیها السلام می توان بیان کرد فرصتی بود که برای گفتگو با مردم در آنجا ایجاد می شد.

۱. قال امیرالمومنین علیه السلام: «أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ حَمْزَةَ وَجَعْفَرَ كَانَا بِحَضْرَتَيْهِمَا مَا صَلَّى إِلَى مَا صَلَّى إِلَيْهِ، وَ لَوْ كَانَا شَاهِدِيَهُمَا لَاتَّبَقَا نَفْسَيْهِمَا؛ آگاه باشید! سوگند به خدا! اگر حمزه و جعفر علیه السلام زنده و حاضر بودند، ان دو نفر (اولی و دومی) به ان مقام (خلافت) که رسیدند، نمی رسیدند، و اگر حمزه و جعفر بودند، شاهد و ناظر بودند، که ان دو نفر، جان سالمی از میان بیرون نمی بردند و خود را به هلاکت می انداختند. أَمَا حَمْزَةُ فَقَتِلَ يَوْمَ أُحُدٍ وَأَمَا جَعْفَرُ فَقَتِلَ يَوْمَ مَوْتِهِ وَبَقِيَتْ بَيْنَ جِلْفَيْنِ جَافِيَيْنِ ذَلِيلَيْنِ حَقِيرَيْنِ عَاجِزَيْنِ الْعَبَّاسِ وَعَقِيلٍ وَكَانَا قَرِيْبِي الْعَهْدِ بِكُفْرِ فَأَكْرَهُوْنِي وَقَهْرُوْنِي؛ حمزه در نبرد احد کشته شده بود و جعفر در نبرد موته، من بودم و دو عامی تندخوی بدبخت ناتوان خوار؛ عباس و عقیل که تازه از کفر به اسلام روی آورده بودند. مردم مرا ناخوش داشتند و رها کردند. (کتاب سلیم بن قیس، ج ۱، ص ۱۶۰)



رتعاری‌سازی

اگر مردم خطایشان را می‌پذیرفتند و به ولایت امیرالمومنین علیه السلام اقرار می‌کردند قطعاً سرنوشت امت اسلامی عوض می‌شد و دیگر سالها دچار بنی امیه و امثال یزید نمی‌شد. اگر آنهایی که روز غدیر بودند و جملات پیامبر درباره‌ی علی را شنیدند، در دفاع از حقانیت امیرالمومنین علیه السلام همراه می‌شدند و اهل بیت را تنها نمی‌گذاشتند، امام حسین علیه السلام مظلومانه شهید نمی‌شد. جریان تاریخ تغییر می‌کرد و قطعاً نیازی نبود که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای حفظ جان مبارکشان در غربت و تنهایی زندگی کنند. حال که جریان اینگونه رقم خورده است باید کاری کنیم که این غربت و تنهایی به پایان برسد. زهرای مرضیه به ما یاد داد که در راه دفاع از ولی چه با بیان عمومی و چه با بیان خصوصی جهاد کنیم. نیت کنیم که از امشب تا چهل شب مثل فاطمه‌ی زهرا وقت بگذاریم و هرشب با یک نفر درباره‌ی امام زمان صحبت کنیم. او را به حضرت وصل کنیم. ما سعی و تلاش خودمان را انجام دهیم اگر این پیوند وصل شد که چه بهتر و اگر وصل نشد هم اشکالی ندارد ولی مهم این است که ما هم قیام کنیم. تمام حرف فاطمیه همین است. نباید نشست و فقط تماشا کرد مثل مردم مدینه. الآن هم ندای «هَلْ مِنْ يَنْصُرُنِي» مهدی فاطمه بلند است و یار می‌خواهد. هرکس به اندازه‌ی توان و وقتی که دارد در این راه باید تلاش کند. ای مردم! یه وقت



ما مثل مردم مدینه و کوفه شرمنده‌ی امام زمان مان نشویم.

روضه

امشب اشاره کردم به ماجرای گرفتن فدک اما نگفتم که چطوری این سند رو از حضرت پس گرفت. در نقل های خطبه‌ی فدک آمده که حضرت وقتی میخواست به مسجد بره مثل باباش پیغمبر قدم برمیداشت و انگار پیامبر در حال حرکت بود اما وقتی برگشت به خونه؛ با روی نیلی، با گوشواره شکسته، با چادر خاکی؛

در میان کوچه و گرد و غبار

مادری بود و دل او غصه دار

دشمنی پاشید بر زخمش نمک

خواست تا گیرد از او برگ فدک

اینهارو امام حسن میگه، سیدا، بچه یتیمای فاطمه

دست من در دست مادر بود و بس

مرغ جانم بود آزاد از قفس

کنایه فهم ها

ناگهان بر مادرم سیلی زدند

امشب هرکی یتیم فاطمه است، داد بزنه، کسی

نمی‌خواد، آستینش و تو دهنش کنه، نالش و خفه کنه،



ناگهان بر مادرم سیلی زدند

یاس را رنگی چنان نیلی زدند

مادرو خشمش خدا داند چه شد

گوشه‌ی چشمش خدا داند چه شد

فقط همینقدر بگم، اینقدر محکم زد، که بی بی تا آخر

عمر، روشو از علی می‌گرفت

آری آن دم در میان کوچه‌ها

دست من از دست مادر شد جدا

شد میان کوچه روی او کبود

چشم‌های او سیاهی رفته بود

دیدید تا حالا، این ناینها وقتی می‌خوان، چیزی رو پیدا

کنند، دست می‌کشن دنبالش

چشم او از ضربه‌ی دشمن ندید

بهر پیدا کردنم دست می‌کشید

حسن مادر جان، تو رو که نزد پسر، مادر نکنه بلایی به

سرت اومده باشه

آمد آنجا در تلاطم خشم من

سیل اشکی جمع شد در چشم من

می‌کشیدم دامن آن اهرمن

چی می‌خواد بگه امام حسن علیه السلام



می کشیدم دامن آن اهرمن

جان پیغمبر دگر بر او مزن

امام حسن (علیه السلام) می‌گه، دستم تو دست مادرم بود، قباله ی فدک رو گرفته بودیم، راهی خونه بودیم، تو کوچه‌ها راه می‌رفتم و خوش بودم، مادرم حق شو گرفته، یهو دیدم یه سایه‌ی سیاهی روبروی مادرم ایستاد، فاطمه قباله فدک و بده به من، مادرم گفت: نمی‌دم، حق منه، یه قدم جلو آمد، مادرم عقب عقب می‌رفت، تا اینکه پشت مادرم به دیوار خورد، دیگه نمی‌گم چی شد، فقط همین قدر بگم یه وقت حسن نگاه کرد، دید مادر رو زمین افتاده، شاید اونجا نشست بالا سر مادر، گوشه‌ی نقاب مادر و کنار زد، صدا زد وای مادر چرا صورتت این رنگی شده، نشست آروم با دستای کوچیکش، خاکای چادر مادر رو پاک کرد، می‌گه مادر حسن قریونت بشه، پاشو بریم مادر، اومدن سمت خونه، حسن عصای دست زهراست، همچین که دم در خونه رسیدن، شاید بی بی گفت: حسن جان صبر کن مادر جان کارت دارم، با چشمای گریون یه نگاه به مادر کرد، بله مادر، مادر با گوشه‌ی چادر اشکای حسن و پاک کرد، حسن جان نکنه ماجرا رو برا بابات علی تعریف کنی، بابات به اندازه کافی غصه تو دلش داره. شاید امشب زینب (علیها السلام)، معجرش و گوشه‌ی حیات به دهنش گرفته بود، آروم آروم گریه می‌کنه، ناله هاشو خفه می‌کنه، حسن یه گوشه زانوی



غم بغل گرفته، حسین یه گوشه، علی تک و تنها ایستاده، یه بدن لاغر و نحیف و کفن کرده، بندای کفن و بست، گفت بچه‌ها هر کی می‌خواد آخرین خداحافظی رو با مادر کنه، بیاد، زینب خودشو به کفن مادر آویزان کرده، حسن صورت رو سینه مادر گذاشته، حسین صورت کف پای مادر، یه وقت امیر المومنین علیه السلام می‌گه دیدم بندای کفن باز شد، دستای زهرام بیرون اومد، بچه هارو به بغل گرفت، از آسمون ندا رسید، یا علی بچه هارو از کنار جنازه مادر جدا کن، عرشیان طاقت ندارن این صحنه رو ببینند، ناله بزن یا زهرا...





اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام (بخش دوم)

خطبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، بَارِيِ
الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ
الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، حَبِيبِنَا وَحَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ أَبِي
الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ، وَلَا سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَاللَّعْنُ
الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. انشالله ثوابی از
این مجلس نورانی به روح همه‌ی گذشتگان و اسیران خاک
از این جمع برسد، هدیه به محضر بانوی دو عالم فاطمه‌ی
زهرا علیها السلام صلواتی ختم بفرمایید.

ایچاک الکبیره

امشب عرایضی که خدمت عزیزان در جلسه ارائه
می‌دهم ادامه‌ی مباحث شب گذشته است یعنی کُنش‌ها
و اقدامات روشنگرانه و تبیین کننده‌ی حضرت زهرا علیها السلام در

راستای دفاع از حقانیت امیرالمومنین علیه السلام بر امر ولایت. سه مورد از این اقدامات را جلسه‌ی قبل عرض کردیم؛ یکی خطبه‌ای بود که حضرت در مسجدالنبی خطاب به خلفا و مردم ایراد کردند که معروف است به خطبه‌ی فدکیه. دومین حرکت این بود که چهل شب همراه با امیرالمومنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام به درِ خانه‌ی مردم مدینه رفتند تا برای امیرالمومنین بیعت بگیرند. سومین حرکت هم، استفاده از سلاح اشک و گریه برای اثرگذاری بر عواطف و احساسات مردم مدینه بود. حضرت هم در جهت اقناع فکر و اندیشه‌ی مردم کار کردند و هم در جهت برانگیختن احساسات آنها. اما امشب به چند مورد دیگر از اقدامات تبیینی حضرت زهرا علیها السلام اشاره خواهیم کرد.

۱- گفتگوهای حضرت زهرا علیها السلام

در مجموع چهار سخنرانی از آن حضرت نقل شده است: دو خطبه که یکی مربوط به ماجرای فدک که در شب‌های گذشته آن را توضیح دادیم و دیگری مربوط به زنان مدینه می‌شود و دو گفتگو هم که یکی با محمود بن لُبَید است که بر سر مزار شهدای احد اتفاق افتاده است. محمود بن لبید می‌گوید که چند روزی بود میدیدم که حضرت زهرا علیها السلام به سر قبر حضرت حمزه و حضرت جعفر می‌آیند و شدیداً گریه می‌کنند. این گریه‌ها به حدی مرا سوزاند که رشته‌های قلبم



را پاره می‌کرد. می‌گوید رفتهم جلو و سوالاتی را از حضرت پرسیدم. آنچه که از این گفتگو نقل شده سندی است بر حقانیت و برتری امیرالمومنین برای ولایت و رهبری جامعه.^۱ از همین فرصت‌ها هم حضرت زهرا با استناد به سخنانی که پیغمبر خدا درباره‌ی امیرالمومنین فرموده بودند و آنچه در روز غدیر گذشته بود، تعیین جانشین توسط پیامبر برای بعد از رحلت شان و همچنین غاصب بودن جریان نفاق را اثبات می‌کردند. عَلمَ جهاد در دستان فاطمه‌ی زهرا بود و هر جا که می‌رفت مانند چراغی اطراف خود را روشن می‌نمود.

این جمله‌ای است که حضرت در پاسخ به یکی از سوالات محمود بن لبید از زبان پیامبر فرموده اند: «عَلَى خَيْرٍ مَنْ أَخْلَفَهُ فَيْكُمْ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي» پیامبر

۱. محمود بن لبید اینگونه روایت می‌کند که: «وقتی پیامبر از دنیا رفت، حضرت زهرا روزهایی را به مزار شهدای احد و قبر حضرت حمزه می‌رفت و می‌گریست. روزی به خدمت شان رفتهم و گفتم از گریه‌های شما قلبم به درد آمد و سوالاتی را از حضرت پرسیدم که یکی از مهم‌ترین آنها این بود: قُلْتُ هَلْ نَصَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَبْلَ وَفَاتِهِ عَلِيَّ بِالْإِمَامَةِ؟ عرض کردم: ای رسول خدا پیش از مرگش به امامت علی علیه السلام تصریح کردند؟ قَالَتْ وَاعْبَاهُ أُنْسِيْتُمْ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ. حضرت فرمود: بسیار عجیب است! ای روز غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟ قُلْتُ قَدْ كَانَ ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَخْبِرْنِي بِمَا أَسْرَ إِلَيْكَ: عرض کردم: بلی واقعه غدیر خم صحیح است، ولی به آنچه در پنهانی رسول خدا به شما خبر داده مرا آگاه فرما. قَالَتْ أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَى لَقَدْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَلِيَّ خَيْرٌ مَنْ أَخْلَفَهُ فَيْكُمْ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَ سَبْطَايَ وَ تَسَعَهُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّةٌ أَبْرَارٌ لِيْنِ اتَّبَعْتُمُوهُمْ وَ جَدْتُمُوهُمْ هَادِيَيْنِ مَهْدِيَيْنِ وَ لِيْنِ خَالَفْتُمُوهُمْ لِيَكُونَ الْإِخْتِلَافُ فَيْكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (حضرت فرمودند: خدا را گواه می‌گیرم که شنیدم (پیامبر) می‌فرمود: علی بهترین کسی است که او را پس از خود در میان شما می‌گذارم؛ و او امام و خلیفه بعد از من می‌باشد، و پدر دو سبط من است، و نه تن از صلب حسین امامان نیکوکارند، که اگر پیرویشان کنید ایشان را راهنمایانی هدایت‌کننده و هدایت‌شده می‌یابید، و اگر مخالفشان کنید اختلاف تا روز قیامت در میان شما باشد .



بارها و بارها فرمود که علی برترین مردم است و جانشین او، اما جریان نفاق با انکار این مطالب ادعا کردند که پیامبر اصلاً جانشینی تعیین نکرده و فقط میخواست به گوید علی دوست من است. قوت استدلال و منطق محکم آن هر شنونده‌ای را اقناع می‌کند و او را تسلیم می‌سازد. این بیان صریح پیامبر ﷺ که برتری امیرالمومنین را ثابت می‌کند، دیگر جای هیچ بحث و سخنی نمی‌گذارد که بگوییم در این عبارت امام و خلیفه به معنای دوست است! شما تصور کنید که پیامبر، این همه جمعیت را در روز غدیر برای ابراز دوستی و محبت به امیرالمومنین نگه داشتند. اینکه توهین به رسول الله است، چرا برای بزرگ کردن چهره‌ی افرادی به پیامبر توهین می‌کنید؟

دومین گفتگویی که از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده، صحبت ایشان با ام سلمه است که پس از جریان هجوم به خانه اهل بیت و صدمه دیدن حضرت اتفاق افتاده فلذا این حرف‌ها در روزهای پایانی عمر شریف صدیقه‌ی طاهره مطرح شده است. ام سلمه می‌گوید به حضرت عرض کردم: ای دختر رسول خدا! چگونه شب را به صبح آوردی (چگونه هستی؟) حضرت فرمودند: «صبح کردم درحالی که خود را بین دو حالت افسردگی و گرفتاری می‌بینم: یک فراق پدر و دو ظلمی که بر وصی رسول خدا رفته است. به خدا سوگند! به حریم امامت و ولایت توهین کردند و هتك حرمت



نمودند. انگیزه‌ی اینها در غصب خلافت جز کینه‌هایی که از امیرالمؤمنین در دلها داشتند نیست. کینه‌هایی که از جنگ بدر و احد در قلبهای منافق پنهان شده بود.» این بخشی از کلام صریح و روشن حضرت زهراست که علت اصلی دشمنی جریان نفاق با امیرالمؤمنین را بیان می‌کند.

نعوذ بالله کسی نگوید که حضرت دنبال به قدرت رساندن شوهر خود بود! نه، حضرت میخواستند امت اسلامی را از گمراهی نجات دهند و نگذارند زحمات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدر برود. حضرت میخواستند جلوگیری کنند از افتادن حکومت جامعه اسلامی به دست شرابخواری مانند یزید.

این گفتگوها و صحبت‌ها چیزی جز دفاع از ولایت نیست. اصلاً فاطمیه یعنی دفاع از ولایت. در این فتنه‌ی اخیر چه توهین‌ها و جسارت‌هایی که به ولی فقیه کردند! کسی که حضرت آیت الله حسن زاده آملی فرمودند: «گوش تان به دهان رهبرمعظم انقلاب باشد که گوش ایشان به دهان امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرج‌الشریف است.» دشمن وقتی می‌بیند این رهبر حکیم و شجاع، با عنایت حق تعالی، تمام برنامه‌ها و طرح‌های آنان را خنثی می‌کند مجبور می‌شود که اینچنین عقده‌گشایی کند. کشور ما اگر این رهبر بصیر را نداشت قطعاً مانند سوریه و کشورهای جنگ زده دیگر باید زندگی می‌کردیم. قدر نعمت عظیمی را که خداوند متعال به ما عطا نموده است بدانیم. پروردگارا طول عمر باعزت به رهبر



ما حضرت امام خامنه‌ای عنایت بفرما. فاطمیه میدان دفاع از ولی و امام جامعه است.

۴- دفاع از جان امام

حرکت هوشمندانه‌ی دیگری که حضرت زهرا علیها السلام در برابر جریان نفاق انجام دادند، آمدن به پشت در خانه برای مانع شدن از ورود آنها به داخل خانه و بیعت گرفتن از امیرالمومنین علیه السلام بود. برنامه‌ی آنها این بود که میرویم به در خانه‌ی علی؛ اگر بیرون آمد و بیعت کرد که هیچ، اگر بیرون نیامد او را به زور بیرون می‌آوریم. اصلاً فکرش را هم نمی‌کردند که حضرت زهرا علیها السلام پشت در بیاید.^۱ طبق قرائن این اتفاق حدود پنجاه روز پس از رحلت پیامبر رخ داده و نقل قول‌های دیگر بسیار ضعیف می‌باشند.^۲ تا آن زمان امیرالمومنین علیه السلام با خلیفه بیعت نکرده بودند و عده‌ای از مخالفان خلیفه نیز در منزل آن حضرت تحصن کرده بودند.^۳ جریان نفاق می‌دانست که اگر حضرت بخواهد برعلیه شان

۱. طبق نقل‌های تاریخی وقتی حضرت به پشت در آمدند، محاصره کنندگان خانه‌ی امیرالمومنین مجبور به بازگشت به مسجد شدند و پس از بیان ماجرا برای خلیفه، ملعونی آشفته شد و گفت خانه را با فاطمه به آتش بکشید و خودش نیز شعله‌ی آتشی را در دست گرفت و روانه‌ی خانه‌ی حضرت شد.

۲. عده‌ای قائل اند که تنها سه روز پس از رحلت پیامبر به خانه‌ی حضرت زهرا هجوم برده شده و فرزندشان سقط شده است. از جمله مهمترین قرائن بر ضعف این قول: ۱- در خطبه‌ی فدکیه آمده که حضرت مانند پیامبر و با اقتدار راه می‌رفتند ۲- در خطبه‌ی فدکیه اشاره‌ای به این حمله نشده است ۳- حضرت دو روز در هفته به مزار شهدای احد می‌رفتند که فاصله داشته است با منزل شان و...

۳. تمام دوازده نفر نقل شده است. (خصال شیخ صدوق، ج ۲، ص ۴۶)



قیام کند کارشان تمام است، فلذا به تکاپو افتادند تا این تحصن را بشکنند. این اولین باری بود که به سمت خانه‌ی اهل بیت لشکرکشی می‌کردند و با اقداماتی توانستند تحصن کنندگان را از خانه خارج کرده و دستگیر کنند.^۱ دیگر فقط زهرا علیها السلام برای علی علیه السلام مانده بود. این جریان نفاق یکبار دیگر هم به خانه اهل بیت حمله کردند که این بار برای زهرچشم گرفتن از مردم بود که مبادا با علی بیعت کنید و با او همراه شوید. اما هدف اصلی آنها این بود که از علی بیعت بگیرند. پس برای بار سوم به در خانه‌ی اهل بیت لشکرکشی کردند. خانه‌ای که پیامبر هر روز از جلوی آن رد می‌شد به اهل بیت سلام می‌کرد و آیه‌ی تطهیر را می‌خواند. در این خانه برترین افراد دو عالم حضور داشتند. تا زهرا فهمید که برای بردن علی آمده اند به پشت در آمد و مانع شد. در دفاع از ولایت، جان امام مهمتر از جان بقیه است. فلذا حضرت خود را فدایی امامش کرد و به پشت در آمد. روضه‌ی اتفاقاتی که افتاد را خواهیم خواند اما در پایان منبر یک مورد دیگر از اقدامات حضرت زهرا علیها السلام را عرض کنم.



۱. البته در نقل‌های تاریخی آمده است که وقتی خانه را محاصره کردند حضرت زهرا به تحصن کنندگان دستور دادند تا از خانه خارج شوند و آن‌ها هم که دوازده نفر بودند خارج شدند. طلحه شمشیر کشید تا با آنها بجنگد اما در نهایت تسلیم شد و همگی را اسیر کردند.

۳- سیادت زنان مدینه از حضرت زهرا

پس از جراحت شدید حضرت زهرا علیها السلام پشت در خانه، عده‌ای مردم مدینه برای جویا شدن از احوال آن حضرت به خانه ایشان آمدند. حضرت در اینجا نیز علم تبیین را به دست گرفتند و طوفانی را در برابر فضا سازی جریان باطل به پا کردند: «وای بر آنها، به چه علت خلافت را از مقر اصلی و پایگاه رسالت و محل نزول امین وحی و از آن کسی که خبره و آگاه به امور دنیا و آخرت بود، دور ساختند؟ این زیان و خسران بر همه آشکار است.» حضرت با این سوال علت اصلی قیام و ایستادگی خود در برابر جریان نفاق را بیان کردند. سپس عامل اصلی غصب حق امیرالمومنین را اینگونه توضیح دادند: «چه عاملی سبب شد که با ابی الحسن علیه السلام انتقام جویانه برخورد کنند؟ به خدا سوگند به خاطر شمشیر بُرنده‌اش که باطل برانداز بود، انتقام گرفتند. به خاطر اینکه او نسبت به مرگ بی اعتنا بود و سرسختانه باطل را لگدکوب می‌کرد و در برخورد با دشمنان سخت‌گیر بود و آنان را مجازات می‌کرد و در راه خدا و برای خدا سخت کوش و سهمگین بود.»

این کلام از شمشیر زدن هزاران مرد جنگی اثرگذارتر است. غباری را که فکر و اندیشه‌ی مردم آن روز را احاطه کرده بود از بین برد و حقایق را آشکار ساخت. در پایان هم نسبت به فتنه‌ها و خطراتی که با غصب خلافت، جامعه‌ی اسلامی را



تهدید می‌کرد هشدار دادند: «اکنون آماده حوادث ناگوار و منتظر شمشیرهای برنده و هرج و مرج دائم و دیکتاتوری ستمکاران باشید. بیت المال شما را غارت خواهند کرد و منافع شما را به جیب خواهند ریخت. وای به حال شما چرا این چنین شدید؟ نمی‌دانید در چه مسیر خطرناکی افتاده اید از عواقب امور بی‌اطلاع هستید. آیا می‌توانیم شما را به هدایت مجبور کنیم در حالی که خودتان از آن کراهت دارید.»^۱

این سخنان صریح و نافذ حضرت زهرا علیها السلام چنان بر روی زنان اثر گذاشت که پس از بازگشت به خانه‌های خود، از شوهران شان درخواست کردند تا در مقابل جریان سقیفه بایستند و با امیرالمومنین علیه السلام بیعت کنند. حضرت زهرا علیها السلام حتی در بستر بیماری هم با کلام خودشان، به مقابله‌ی با جهل مردم و جاه طلبی منافقین رفتند و اثرگذار هم بود. چند روز بعد با توجه به فضایی که در مدینه بوجود آمده بود، خلیفه‌ی اول و دوم چاره‌ای نداشتند جز اینکه به دلجویی از حضرت زهرا علیها السلام بیایند. البته آنها به دنبال این بودند که مشروعیتی را نیز به حکومت خود بدهند و بگویند که ما از دختر پیامبر عیادت کردیم و او ما را بخشیده است. اما حضرت زهرا علیها السلام درخواست آنها را رد نمودند و



۱. بحارالأنوار: ج ۴۳، ص ۱۶۰ / احتجاج طبرسی: ج ۱، ص ۱۴۷ / شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۶، ص ۲۳۳

آنها متوسل به علی بن ابی طالب شدند. با وساطت حضرت اذن عیادت داده شد اما در این دیدار هم بانوی دو عالم آنها را رسوا کردند. حضرت از آن دو نفر سوال کرد که آیا این حدیث از پیامبر است که فرمود: «خشنودی فاطمه عَاطِمَةُ خشنودی من، و خشم فاطمه عَاطِمَةُ خشم من است، هر که دخترم فاطمه عَاطِمَةُ را دوست بدارد، مرا دوست داشته، و هر که فاطمه عَاطِمَةُ را خشنود سازد، مرا خشنود ساخته، و هر که فاطمه عَاطِمَةُ را خشمگین نماید، مرا خشمگین نموده است.» گفتند آری. سپس حضرت فرمود: «من هم خدا و فرشتگان را گواه می‌گیرم که شما دو نفر مرا خشمگین نمودید و خشنودم نساختید، و چون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ملاقات نمایم، حتماً از شما به او شکایت خواهم نمود...»^۱ اینگونه باید در دفاع از امام قدم برداشت؛ استوار و محکم.

رفتار سازی

فاطمیه دوره‌ی آموزشی ولایت‌مداری و پا در رکاب امام بودن است. حضرت زهرا عَاطِمَةُ یاد می‌دهد که باید در راه دفاع از امام چه با بیان و چه با اشک و گریه و چه با فداکردن جان به میدان آمد و ولی را تنها نگذاشت. هرکس

۱. در این هنگام، ابوبکر پیش آمد و گفت: ای فاطمه عَاطِمَةُ! پناه می‌برم به خدا از اینکه مورد خشم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تو باشم و بعد شروع کرد به گریستن! در این هنگام حضرت فاطمه عَاطِمَةُ مرتب خطاب به ابوبکر می‌فرمود: «وَاللَّهِ لَادْعُونََ اللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ أَصَلَيْتَهَا؛ به خدا قسم! من در هر نمازی که می‌خوانم، تو را نفرین می‌کنم.» سپس آن دو نفر از خانه‌ی حضرت خارج شدند. (بحارالأنوار مجلسی، ج ۲۹، ص ۶۲۷)



به هر نحوی که میتواند باید پای کار امام بیاید. من در هر شغلی که هستم و هر وظیفه‌ای که به عهده دارم باید خودم را به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام گره بزنم. مثلاً منی که درس میخوانم و دانش آموزم، به نیت خدمت به کشور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و پیشرفت و افزایش قدرت نظامی که متعلق به حضرت است تحصیل کنم. یا کسی که میوه فروشی دارد یا بقالی، به اندازه‌ی توان خودش به اسم امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام به محرومان کمک کند. فرزندان مان را نذر حجت بن الحسن کنیم و برای سربازی او آماده شان کنیم. جامعه‌ای را امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام دوست دارد که هرکسی به فکر همسایه و اطرافیان خودش باشد و غم و گرفتاری هایشان را حل کند نه اینکه فقط فکر منافع شخصی خودش باشد. بعد از هرکاری از خودمان بپرسیم که حضرت چقدر از این کار ما راضی یا ناراحت شدند؟ امام زمان را بر تمام کارهایمان ناظر و شاهد بدانیم. در سختی‌ها و رنج‌ها به ایشان متوسل شویم. ما کسی را به جز امام زمان نداریم، او هم بین این همه آدم روی کره زمین، کسی را به جز ما ندارد.

روضة

اما چه کردند با خانه‌ای که علی و فاطمه در آن بودند؟
 فَجَمَعُوا الْحَطَبَ؛ هیزم آوردن چه هیزمی، فَجَمَعُوا الْحَطَبَ
 الْجَزَلَ عَلَى بَابِنَا؛ معمولا ما جزل به معنای کثیر معنا می‌کنیم



و رد میشیم، یعنی هیزم زیادی رو آوردن دم خانه من اما این غلطه، جزل یعنی هیزمی آوردن که به زودی خشک نشه و از بین نره، یعنی ساعت‌ها در این آتش این هیزم بسوزه؛ فَجَمَعُوا الْحَطَبَ الْجَزْلَ عَلٰی بَابِنَا لِیُحْرِقُوهُ وَ یُحْرِقُونَا؛ یعنی هم خونمونو بسوزونن هم خودمونو بسوزونن. باور نمی‌کردم که اینا بدون اجازه وارد بشن، لذا وقتی با استفهام سوال کرد واقعا میخوای خونمونو بسوزونی؟ نانجیب یه جوابی داد؛ گفت هَذَا مَا جَاءَكَ الذِّیْ بِهِ أَبُوکَ یعنی فاطمه مگه بابات نگفت: لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی؛ اومدم مزد موَدّت رو بهت بدم، الله اکبر، عجب جسارتی کرد. امام صادق قریب به صد و ده سال بعد از شهادت مادر به مُفَضَّل فرمود: اگر چه کربلا برای ما بالاترین غم و محنته، اما اون روزی که در خونهُ مادرم رو سزوندن اون ریشه همه مصائب و فتنه هاست، اون به مراتب سخت تر و تلخ تر از کربلاست.

ریختند و وحشیانه با لگد در را زدند

عده‌ای هم جای در... پهلوی مادر را زدند

عده‌ای هیزم به دست و عده‌ای هم با غلاف

بی هوا آتش به پا کردند و هی در را زدند

لشکر حیدر جلوی لشکری صف می‌کشد

این اراذل بی‌ترحم رکن لشکر را زدند



بوی سیب فاطمه از بوسه‌های مصطفی است
 گرگ‌ها از ریشه این سیب معطر را زدند
 فاطمه گوهر ولی دیگر صدف در کار نیست
 باز کردند آن صدف را وای گوهر را زدند
 ریشه‌ی دین سوخته، افتاده ساقه بر زمین
 آمدند و غنچه‌ای که گشته پرپر را زدند
 قنقد و مثمار باهم کارشان را کرده اند
 از جهات مختلف این یاس حیدر را زدند
 همین قدر بگم بلایی به سرش آوردن که دیگه این
 روزا از بسترم نمی تونست بلند بشه؛ حتی برا خوندن نماز،
 دستور داد بسترش رو کنار دیوار پهن کنن یعنی برای هر
 نشست و برخاستی فاطمه از دیوار کمک می‌گرفت.
 پنجاه سال بعد کربلا هم اون نانجیب دستور حمله به
 خیمه‌ها رو که داد، گفت خیمه رو با اهلش بسوزونید، اگه
 امر زین العابدین بر فرار از خیمه‌ها نبود این هشتاد و چهار
 زن و بچه زنده زنده تو خیمه می‌سوختن... ناله بزن یا حسین





جهاد تبیین، جهاد دوران ما



الحمد لله الذي هو الأوّل والآخرُ والظاهرُ والباطنُ وهو بكلّ شيءٍ عليم، ثمّ الصلوةُ والسّلامُ علي عبد الله ورسوله وحبّيه و صفيّته و حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته سيّدنا و نبينا و مولانا أبي القاسم محمّد وآله الطيّبين الطاهرين المعصومين المكرّمين، و اللعنُ الدائمُ علي أعدائهم اجمعين من الآن الي لقاء يوم الدين. امشب آخرين جلسه ای است که در خدمت شما عزیزان هستیم. انشاء الله که با حبّ اميرالمومنين و حضرت زهراء عليها السلام از اين دنيا برويم و لحظه ای دستان مان از دامان اهل بيت جدا نشود، هديه به محضر مقدس بانوی دو عالم صلواتی ختم بفرمایید .



روایتی از وجود نازنین پیامبر خطاب به سلمان فارسی برای شما بخوانم. این روایت را از من به یادگار داشته

باشید و قدرش را بدانید. حضرت فرمودند: «يَا سَلْمَانَ: ای سلمان! حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ فِي مَائَةِ مَوْطِنٍ: حُبِّ و محبت به دخترم فاطمه در صد موقعیت به کمک انسان می آید، أَيْسُرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَالْمِيزَانُ وَالْمَحْشَرُ وَالصِّرَاطُ وَالْمَحَاسِبَةُ: آسان ترین آن موقعیت ها، لحظه مرگ و قبر و میزان و محشر و صراط و محاسبه است.»^۱ واقعاً روایت عجیبی است. از هرکس پرسید که سخت ترین لحظات زندگی انسان چیست می گوید لحظه مرگ و هنگام محاسبه اعمال اما در این روایت شریف، پیامبر می فرمایند آسان ترین جاهایی که این حُبِّ اهل بیت به کمک انسان می آید لحظات مرگ و قبر است. خدا می داند که سخت تر از این ها چیست و چه در انتظار آدمی است. این نعمت عظیم محبت اهل بیت عليهم السلام را خیلی قدر بدانید. خیلی ها بودند که در وسط راه کم آورده اند و از مسیر اهل بیت دور شدند. از خدا بخواهیم که ما را در این مسیر ثابت قدم نگه دارد. بحثی را که شب های گذشته خدمت شما عزیزان ارائه دادم، درباره ی اقداماتی بود که حضرت زهراء عليها السلام در راه بیدارسازی جامعه و شکستن اجماع ساختگی جریان نفاق انجام دادند. امشب نیز به چند مورد از این اقدامات اشاره می کنیم.

۱- وصیت به دفن شبانه و مخفیانه

در آن زمان، جریان باطل توانست کاری کند که کسی دلایل روشن و صریح بر ولایت امیرالمومنین علیه السلام را نبیند و حتی چند سال بعد وقتی شنیدند که حضرت در محراب نماز در مسجد شهید شدند، سوال برایشان پیش آمد که مگر علی نماز می خوانده ؟ درست است که آن زمان فضای مجازی نبوده و رسانه به معنای امروزی اش وجود نداشته اما ببینید چه فضایی را ایجاد کردند که هرکاری خواستند انجام بدهند و صدایی از کسی بلند نشود ؛ به خانه ی امیرالمومنین حمله کنند و به دختر پیامبر جسارت کنند و صدا از کسی بلند نشود. این نشان می دهد که این جریان شدیداً بر روی افکار عمومی کار کرده و حال یا با تهدید و یا با تطمیع آنها را ساکت کرده بود.

انکاع الکبیره

در چنین شرایطی فاطمه ی زهراء علیها السلام عَلم تبیین و روشنگری را بدست گرفت. آخرین اقدامی که حضرت انجام دادند وصیت ایشان به دفن شبانه و مخفیانه بود. در جلسه ی قبل هم عرض کردیم که جوّ مدینه پس از عیادت زنان انصار و مهاجرین از حضرت زهراء علیها السلام به سود امیرالمومنین و بر علیه خلیفه شده بود. لذا اینها به دنبال این بودند که چهره ی خود را تطهیر کنند و به مردم نشان دهند که اهل

بیت مشکلی با ما ندارند. این وصیت حضرت زهرا علیها السلام تیر خلاصی بود بر پیکر جریان سقیفه.^۱ علامه مجلسی در کتاب شریف بحار الانوار می‌نویسد: «روایات زیادی وارد شده است که حضرت فاطمه علیها السلام وصیت کرد شب به خاک سپرده شود تا آن دو نفر بر او نماز نگذارند حضرت به امیرالمومنین وصیت کرد و پیمان گرفت که: من تو را به خدا سوگند می‌دهم که (آن دو) بر جنازه من نماز نخوانند و بر قبر من نایستند.»^۲ امیرالمومنین علیه السلام هم طبق وصیت حضرت، پیکر مطهر بانوی دو عالم را شبانه دفن کردند و به جز عده‌ی خاصی از اصحاب، کس دیگری در آن تشییع شرکت نکرد. این اقدام حضرت زهرا علیها السلام آنچنان آنها را خشمگین کرد که وقتی فهمیدند امیرالمومنین علیه السلام شبانه این کار را انجام داده‌اند، تصمیم به نبش قبر گرفتند تا دوباره خلیفه بر

۱. اِنِّی اَوْصِیْکَ اَنْ لَّیْلَی غُسْلِی وَ کَفْنِی سِوَاکَ وَ اِذَا اَنَا مِتُّ فَادْفِنِی لَیْلًا وَ لَا تُؤَدِّنَنَّ بَی اَحَدًا، وَ لَا تُؤَدِّنَنَّ بَی اَبَا بَکْرٍ وَ عُمَرَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ ﷺ اَنْ لَا یُصَلِّیَ عَلَیْ اَبُو بَکْرٍ وَ لَا عُمَرَ؛ همانا من تو را وصیت می‌کنم که غسل و کفن کردن مرا کسی غیر از تو انجام ندهد و وقتی وفات کردم، مرا شب دفن کن و هیچ کس را خبر نکن و ابوبکر و عمر را نیز مطلع نسا و تو را سوگند می‌دهم به حق رسول خدا صلی الله علیه و آله که ابوبکر و عمر بر جنازه من نماز نخوانند. (کشف الغمّة، ج ۲، ص ۶۸).

۲. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۳۹۰.

در جای دیگری از همین کتاب این روایت آمده است: «اَوْصِیْکَ اَنْ لَا یَشْهَدَ اَحَدٌ جِنَازَتِی مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِیْنَ ظَلَمُوْنِی وَ اَخَذُوْا حَقِّیْ فَاَنْهَمُ عَدُوِّی وَ عَدُوُّ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَ لَا تَتْرُکْ اَنْ یُصَلِّیَ عَلَیْ اَحَدٍ مِنْهُمْ وَ لَا مِنْ اَتْبَاعِهِمْ وَ اَدْفِنِیْ فِی اللَّیْلِ اِذَا هَدَاْتُ الْعُیُوْنَ وَ نَامَتِ الْاَبْصَارُ؛ (ای علی) تو را وصیت می‌کنم هیچ یک از آنان که به من ظلم روا داشتند و حق مرا غصب کردند، نباید در تشییع جنازه من شرکت کنند؛ زیرا آنها دشمنان من و دشمنان رسول خدا هستند و اجازه نده که فردی از آنها و پیروانشان بر من نماز بگذارد. مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم‌ها آرام گرفته و دیده‌ها به خواب فرو رفته باشند.» (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۹).



آن پیکر نماز بخواند.^۱ امیرالمومنین تا این خبر را شنید در حالی که خشمگین بود و لباس زردی که در مواقع جنگ می پوشید را به تن کرده بود و ذوالفقار در دست داشت، وارد بقیع شد و آنها را از این کار منصرف کرد. آنها می دانستند که این حرکت حضرت زهراء علیها السلام چه رسوایی بزرگی در تاریخ برایشان به وجود می آورد و تا قیامت این سوال را خواهند پرسید که چرا دختر پیامبر صلی الله علیه و آله اینگونه مخفیانه دفن شد؟

۳- نکاتی در باب جهاد تبیین

اما چند نکته ای را باید درباره ی جهادی که حضرت داشتند خدمت تان عرض کنم تا وظیفه ی خودمان را بهتر بشناسیم: اولین نکته، شناخت برنامه ی دشمن و نقشه های اوست تا بتوانیم بهترین راه حل ها و مقابله ها را داشته باشیم. در آن روزهای مدینه هم تحریم اقتصادی بر علیه اهل بیت بود - که فدک را از حضرت زهرا گرفتند - و هم فضا سازی ها به گونه ای بود که با این همه مظلومیت اهل بیت صدایی از کسی بلند نشد. اما حضرت زهراء علیها السلام با اقداماتی طوفانی، این صحنه آرایی ها و اجماع سازی ها را در هم شکست و در مسجدالنبی خطبه ی فدک را خواند و این جریان را رسوا کرد. در زمان ما هم که دشمن تحریم



۱. طبق نقل هایی که شده امیرالمومنین چهل قبر را در بقیع ساختند تا مشخص نباشد که کدام قبر واقعی حضرت زهراست.

می‌کند و هر روز شاهدیم نفرات جدیدی شامل این تحریم می‌شوند، باید مانند حضرت زهرا علیها السلام حق خودمان را مطالبه کنیم و در برابر آنها بایستیم.

وقتی دانستیم که هدف دشمنان ما همان هدف دشمنان حضرت زهراست یعنی حکومت و ولایت با آنها باشد و ما هم تحت سلطه ی آنها، دیگر روا نیست که حرف از مذاکره و دوستی بزنیم. حضرت زهرا علیها السلام می‌توانستند فدک را بگیرند و حکومت را به خلفا بدهند و کاری با آنها نداشته باشند اما در این راه ایستادند و شهید شدند. فاطمه ی زهرا علیها السلام الگوی ماست. همانطور که امام زمان فرمود: «إِنَّ لِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَأَ حَسَنَةً: دختر رسول خدا اسوه و الگوی من است»^۱ باید مانند حضرت در راه ولایت قدم برداریم. ببینیم رهبر جامعه از ما چه می‌خواهد. او را یاری کنیم.

نکته ی دومی که می‌خواهم خدمت تان عرض کنم این است که باید امید خودمان را به آینده افزایش دهیم. فاطمه با همه ی مصیبت‌ها و اندوه‌هایی که دارد اما امیدبخش است: امید به موعودی که می‌آید و انتقام آن خون مطهر را می‌گیرد. اصلی‌ترین نقطه ی امید، ظهور بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که انشاءالله به زودی اتفاق می‌افتد و بشریت نجات پیدا می‌کند اما تا آن موقع نباید ناامید شویم و دست از تلاش برداریم. ما در طول این چهل



۱. الغیبه، للطوسی؛ ص ۲۸۶.

و سه سالی که از انقلاب مان گذشته شاهد پیشرفت ها و دستاوردهای عظیمی در حوزه های مختلف علمی، نظامی و ... بودیم که در بسیاری از موارد جزء پنج کشور اول دنیا هستیم و این خیلی افتخار بزرگی برای نظام اسلامی است. البته ضعف های زیادی داریم و باید تلاش کنیم که آنها را برطرف نماییم اما اینکه بخواهیم فقط ضعف ها را ببینیم و فقط گلایه کنیم خیلی بی انصافی است. ما هم از اوضاعی که در مسائل اقتصادی بوجود آمده ناراضی هستیم و مطالبه گریم که هرچه زودتر شرایط بهتری برای مردم فراهم شود اما نباید عده ای به هر بهانه ای نظام اسلامی را مورد حمله قرار دهند و قرآن و مسجد را آتش بزنند. اگر حرفی برای گفتن و اعتراضی دارند از راه درست و شیوه ی صحیح باید اعلام کنند نه اینکه به خیابان ها بیایند و به بیت المال خسارت بزنند و مظلومانه بسیجیان بی گناه را بکشند اگر حرفی برای گفتن و اعتراضی دارید از راه درست و شیوه ی صحیح باید اعلام کنید نه اینکه به خیابانها بیایید و به بیت المال خسارت بزنید و مظلومانه بکشید. ما امید داریم به اینکه خداوند متعال دست لطف و عنایت خودش را با این کشور و نظام همراه می کند و این شرایط سخت هم پایان می یابد البته به شرطی که ما هم دین خدا را یاری کنیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری



می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»^۱ قطعاً آینده‌ای که در انتظار ماست با توجه به اوضاع جهان، آینده‌ی بسیار روشن و بهتری خواهد بود.

رئیس‌سازی

نکته‌ی دیگر اینکه دشمنان دین از هر ابزاری استفاده می‌کنند تا به نظام مقدس اسلامی ضربه بزنند و یک تهاجم همه‌جانبه و جنگ رسانه‌ای و جو سازی عظیمی را بوجود آورده‌اند تا جوانان ما و مردم ما را از ادامه‌ی راه انقلاب خسته کنند باید مانند حضرت زهراء علیها السلام این غبارها و فضا سازی‌ها را خنثی کنیم و ما هم از همه‌ی ابزار موجود در راه تبیین حقیقت دین و دروغ‌های جریان باطل بهره ببریم. ما باید جهاد تبیین را که جهاد این دوران است، وظیفه‌ی خود بدانیم.

۳- جهاد فاطمی ادامه دارد

جهاد همیشه به این نیست که در میدان نظامی و با تفنگ با دشمن بجنگی بلکه هر جا که دشمن دارد تلاش می‌کند که به دین ضربه بزند، همان جا میدان و عرصه‌ی جهاد است. جهادی که الآن برعهده‌ی ماست همان جهادی است که فاطمه‌ی زهراء علیها السلام انجام داد یعنی جهاد تبیین. ما



۱. سوره محمد، آیه ۷

باید در راه دفاع از ولایت اهل بیت جهاد کنیم و امام زمان را نصرت کنیم.

این درسی بود که مادر سادات به ما یاد داد. در راه ولایت با هر سلاحی و وسیله ای باید قیام کنیم و پرچم ولایت اهل بیت را در دست بگیریم. هنوز هم امام مظلوم است و غریب و باید برای ظهورش کاری کنیم. دائماً به دنبال رضایت امام باشیم و هر کس در هر شغلی که هست خودش را در این مسیر قرار دهد. هرکاری میکنیم از خودمان بپرسیم که آیا امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ از این رفتار من راضی است؟ من اگر خودم نمیتوانم کاری کنم حداقلش این است که فرزندانم را در این راه تربیت کنم. این خیلی مهم است که برای سپاه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سرباز تربیت کنیم.



گفتم که حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ وصیت کرد به امیرالمومنین که علی جان مرا شبانه غسل بده و دفن کن: «يا علي غَسِّلْنِي فِي اللَّيْلِ وَكَفِّنِي فِي اللَّيْلِ وَدَفِّنِي فِي اللَّيْلِ وَلَا تُعَلِّنْ أَحَدًا»
ای کوثر علی چقدر زود می روی

بال و پر علی چقدر زود می روی

بعد از نبی دلم به تو خوش بود فاطمه

هم سنگر علی چقدر زود می روی

ای تکیه گاه زندگی حیدر غریب



ای لشکر علی چقدر زود می‌روی

شرمنده ی تو هستم و پهلوی زخمی ات

ای یاور علی چقدر زود می‌روی

امیرالمومنین علیه السلام زهرا را در هفت پارچه کفن کرد، اینک می‌خواهد بندهای کفن را ببندد، ولی معمول است قبل از این که بندها را ببندند، فرزندان و نزدیکان شخص درگذشته را می‌آیند و اجازه می‌دهند که برای آخرین بار با او دیداریکنند. امیرالمومنین صدا زد: ای حسن، ای حسین، ای زینب، ای امّ کلثوم! بیایید و بشتابید و توشه از دیدار مادرتان بگیرید که دیگر او را نخواهید دید.

یتیمان زهرا بعد از آن که پدر اذن دیدار دارد، شتابان آمدند و با ناله جانسوز و شیون صدا می‌زدند: وا حسرتا. این صدای شیون، قلب مادر مهربان را تکان داد، به گونه ای که دست هایش از کفن به سوی فرزندان بیرون آمد. ناگهان هاتفی از آسمان ندا داد: این کودکان را از مادر جدا کن که به خدا فرشتگان آسمان را به گریه در آورد. این یک وداع بود، یک وداع جانسوز هم در کربلا به وقوع پیوست. وقتی که اهل بیت امام حسین را به اسارت می‌بردند، به ماموران ابن سعد گفتند: شما را به خدا، ما را به قتلگاه ابی عبدالله برید. همین که چشم زنان به کشته‌ها افتاد فریادشان به شیون بلند شد و لطمه به صورت می‌زدند، پیکر عریان اباعبدالله علیه السلام به روی خاک صحرا ... ناله بزن یا حسین ...

